

حضرت فاطمه زهراء (س) برترین زن

در جهان هستی



محمد تقی صرفی پور



حمد مخصوص خداوند جمیل و حکیم است و صلوات خدا بر افضل انبیاء حضرت محمد(ص)

و خاندان با فضیلتش باد.

حضرت فاطمه (س) یکی از شخصیت های بی نظیر عالم هستی هستند. طبق حدیث قدسی اگر فاطمه (س) خلق نمی شد، پیامبر اسلام(ص) و حضرت علی (ع) هم خلق نمی شدند. برای اینکه اگر فاطمه (س) نبود 11امام هم نبودند آنوقت دین ناقص می شد و هدف از خلقت محقق نمی گردید.

بنابراین وجود 11امام وابسته به وجود حضرت فاطمه (س) بوده است. و ما باید همیشه شاکر درگاه الهی باشیم که فاطمه (س) را خلق نمود تا امامت هم ادامه پیدا کند.

فضائل اخلاقی این بانوی بی نظیر همانند صبر عظیم و پاکدامنی بسیار فراوان زهرای مرضیه (س) لام الله علیها او را به الگوی همه انسان هایی که می خواهند به سعادت برسند تبدیل نموده است.

مسئله دیگر تسبیح آن حضرت است که با هر تسبیح حضرت زهراء(س) ثواب هزار رکعت نصیب افراد تسبیح گو می گردد و گناهانشان پاک می گردد.

محبت حضرت برای بشریت باعث خیر و برکت است هم در دنیا و هم در آخرت. در دنیا بوسیله عنایات حضرتش، حاجتها برآورده می شود و در آخرت حضرت نگاهی به محشر می کند و از هر که محبت آن حضرت در دلش باشد شفاعت می نماید و آنها را نجات می دهد.

در این کتاب به برخی از فضائل بی نهایت آن حضرت اشاره می گردد.

فاطمه برترین زن در جهان هستی

معمولا افرادی را به عنوان نمونه انتخاب می کنند که در آن شغل خود یا خصوصیت خوب خود از دیگران برتر باشند. مثلا کارگر نمونه. معلم نمونه. محقق نمونه. یا زن نمونه.

اما سراغ نداریم که فردی در تمام سالها نمونه شده باشد. معمولا افراد نمونه برای یکسال یا دوسال یا کمی بیشتر انتخاب می شوند.

اما بانویی را سراغ داریم که در مدت عمر دنیا هر سال نمونه بوده است. یعنی اگر عمر دنیا یک میلیارد سال باشد از زمان اولین انسان های زن و مرد، این خانم نمونه بوده تا روز قیامت. و آن حضرت فاطمه زهراء س می باشد. آنهم توسط خداوند انتخاب شده است.

اما چه خصلتهائی در حضرت بوده که به این مقام بی نظیر رسیده است در این جا به چند ویژگی حضرت اشاره می کنم.

صبر عظیم

**یکی از ابعاد شخصیتی حضرتش، بعد صبر عظیم آن حضرت است. آنقدر این مسئله مهم بوده است که خداوند، حضرتش را قبل از خلقت جسمش مورد امتحان صبر قرار داد و حضرت در این آزمون موفق بودند.

در زیارتنامه آن حضرت ذکر شده است:

يَا مُمْتَحَنُهُ امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرًا: ای آزموده! آزمود تو را خدائی که تو را آفرید پیش از آنکه تو را بیافریند پس دریافت تو را در برابر آزمایشش صبور.

امام باقر(ع) فرمود: روزی رسول خدا(ص)، حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) و حسن و حسین را جمع کرد و درها را بست و به آنها فرمود خداوند سبحان بر شما سلام رسانده و الان جبرئیل اینجاست و می گوید خدا فرموده که من می خواهم شما را بوسیله دشمنانتان امتحان کنم. شما چه نظری دارید؟ آنها جواب دادند که ما در مقابل دستورات الهی صبر خواهیم کرد تا زمانی که بر خدا وارد شویم و او پاداش ما را بدهد. که شنیده ایم به صابران خیر خواهد داد. رسول خدا(ص) به گریه افتاد بطوری که صدایش از اتاق بیرون رفت. ناگاه آیه (و جعلنا بعض فتنه أتعبرون و کان ربُّک بصیراً) فرقان 20

نازل شد. که اینان صبر خواهند نمود همانگونه که خدا فرموده است. ¹ تأویل الایات سید شرف الدین استرآبادی ج 1 ص 371

همچنین ذکر شده :

هنگامی که رسول خدا(ص) حوادث تلخ آینده را برای دخت دلبندهش بیان می کرد، وقتی سخن به شهادت پاره تن فاطمه(س)؛ سیدالشهدا(ع) رسید. زهرای عزیز از پدر پرسید

یا ابتاه! من یقتل ولدی و قره عینی و ثمره فوادی؟ پدرجان! چه کسی فرزندم و نور ((چشمم و میوه دلم حسین - علیه السلام - را شهید می کند؟

پیامبر خدا (ص) فرمود: بدترین فرد این امت. آنگاه فاطمه (س) از محل شهادت فرزندش سوال کرد و پیامبر خدا (ص) فرمود: کربلا.

در این موقع حضرت فاطمه (س) آن شخصیت صبور فرمود:

یا ابه! سلامت و رضیت و توکلت علی الله؛)

ای پدر، در برابر خواسته های خدا تسلیم و راضی ام و به خدا توکل کرده ام

بحارالانوار، ج 44، ص 264

بعضی از افراد بخصوص خانمها صبرشان کم است لذا مشکلاتی برای خود و خانواده شان ایجاد می کنند. از جمله آقایی می گفت که پسرم چندسال قبل بر اثر سقوط از کوه از دنیا رفت. با اینکه پسران دیگر دارم ولی همسرم از آن موقع تا الان لبخند بر صورتش نیامده است. و شبانه روز گریه می کند و لباس سیاه از تنش در نمی آورد و من نمی دانم چه بکنم؟

دنیا محل مصیبت و گرفتاری است همینطور که محل خوشی و خوشحالی است اما موقت. با سلاح صبر می توان مسیر زندگی را بخوبی طی کرد و نگذاشت خللی در مسیر حیات زندگی پیش بیاید. از جمله جلوه های صبر آن حضرت صبر بر سختی های مادی همچون گرسنگی بوده است .

در روایت است:

روزی امام علی (ع) غذایی از همسر عزیز خود خواست تا بدان گرسنگی خود را برطرف سازد، فاطمه (ع) در جواب گفت: سوگند به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید، دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم؛ حسن و حسین دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم.

حضرت علی (ع) با تأسف بسیار فرمود: فاطمه جان! چرا مرا آگاه نکردی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

آن بانوی بی نظیر فرمود: از خدایم حیا می کنم چیزی از تو بخواهم که نتوانی آن را برآورده کنی.

(مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 26)

۵روز گرسنگی

روزی فاطمه (س) رو به پدر کرده گفت: ((ای رسول خدا! سوگند به پرودگار، در خانه علی (ع) پنج روز است که صبح کردم بدون غذا و هرگز غذایی را در دهان نگذاشته ایم؛ نه گوسفندی (داریم و نه شتری و نه غذایی و نه آبی.)) (احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۲۳)

همچنین صبر در زندگی زناشویی. مثلاً آقا امیرالمومنین در جنگهای مختلف به ماموریت می رفتند و فاطمه (س) در این ایام تنها بود و گاهی شوهرشان با جراحتهای زیاد بر می گشتند. همچنان که در جنگ احد با تن خونین و جراحتهای زیاد به خانه آمدند. و فاطمه (س) به پرستاری حضرت مشغول شدند ولی صبرشان کم نشد.

لذا در دوران دفاع مقدس نیز شاهد بودیم که زنان مسلمان ایرانی پیرو زهرای مرضیه، بر سختی های این دوران صبر کردند.

حضرت در منزل خدمتکار نداشتند و تنهائی باید بچه داری و خانه داری می کردند.

و این برای زهرای مرضیه (س) که در سن نه سالگی تا ۱۸ سالگی بودند سخت بود ولی حضرت استقامت عجیبی داشتند.

صبر بر یتیمی در ۵ سالگی. صبر بر شکنجه هایی که مشرکین به رسول خدا (ص) وارد می کردند.

واز همه عظیم تر صبر بعد از رحلت آقا رسول الله. بر غصب ولایت. بر غصب فدک. بر شهادت محسن (ع). بر شکستگی پهلوی. بر بی احترامی منافقین به اهل بیت (ع).

و حضرتش از این آزمون های عظیم، با موفقیت و پیروزی بیرون آمدند.

سادگی و بی رغبتی

****بعد دیگر شخصیت آن حضرت، سادگی و بی رغبتی آن حضرت به دنیا در همه مراحل زندگی است.**

در ازدواج حضرت می بینیم که ساده ترین مراسم برگزار می شود. مهریه از کمترین مهریه ها بوده است که 500 درهم آن زمان می شود دویست هزار تومان به پول ما. این وضع ازدواج دختر بهترین انسان ورهبر جهان اسلام است. در حالی که معمولاً حکام ورهبران هر جامعه از نظر مادی و اشرافی بالاتر از مردم عمل می کنند.

نقل می کنند حقوق ماهانه رئیس جمهور امریکا بیش از ششصد میلیون تومان است. اما رهبران اسلام این چنین نیستند و در ساده ترین وضع زندگی بسر می برند.

در زندگی 9 ساله با شویش علی مرتضی ع نیز قناعت و سادگی در همه مسائل زندگی زناشویی به چشم می خورد.

علی (ع) فرمود: او با اینکه محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با مشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).¹ بحار 43

(

روزی پیغمبر (ص) پیش فاطمه (س) رفت و دید که بچه را شیر می دهد و با دستش آسیاب را می چرخاند و لباس تن او از جل شتر است. پیغمبر فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت بچش! فاطمه فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می کنم و بر کرامتهایش شکر می گذارم. در این موقع آیه

«وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَرَضِي»⁽²⁾ «بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد. (مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 342)

چادروصله دار!

سلمان که از کاخهای پادشاهان ایران وروم دیدار کرده بود وقتی سادگی و وصله های چادر دختر بهترین انسان را می بیند تعجب می کند.

سلمان می گوید: روزی فاطمه را با چادری وصله دار و ساده دیدم. تعجب کرده و گفتم: عجب! دختران پادشاه ایران وروم برصندلی های طلا نشسته و پارچه های زربفت بر تن می کنند. اما این دختر رسول خداست که نه چادرهای گرانبه قیمت بتن دارد و نه لباسهای زیبا!

فاطمه فرمود: ای سلمان! خدای بزرگ، لباسهای زینتی و تخته های طلا را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است. (بحار ج 8 ص 303)

سپس فاطمه (س) به پدرش فرمود:

((ای رسول خدا! سلمان از سادگی من تعجب نمود. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شبها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است.))

بحار الانوار، ج 43، ص 188

پیامبر به سلمان فرمود: ای سلمان! همانا دخترم در گروه پیشگامان و سابقین است.))

بهجه قلب المصطفی، ترجمه دکتر افتخارزاده، ص 395

سه روز گرسنگی

روززی علی (ع) فرمود: ((فاطمه جان! آیا غذایی هست که بیاوری؟)) پاسخ شنید

سوگند به آنکه حق تو را بزرگ شمرده، سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و سهم ((خود از همان مقدار ناچیز را هم به شما بخشیدم و خود، گرسنگی را تحمل نمودم.)) علی(ع) فرمود:

:چرا به من خبر ندادی؟)) و حضرت جواب داد((

:رسول خدا مرا نهی کرد که چیزی از تو بخواهم و به من سفارش نمود((

دخترم چیزی از پسرعمویت درخواست مکن، اگر چیزی برای تو آورد، بپذیر و الا تو درخواست چیزی نداشته باش.))

مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 26

این ساده زیستی زهرای مرضیه و علی ع نشان می دهد که رهبران اسلام زندگی خود را مطابق پایین ترین افراد جامعه از نظر مادی قرار می دهند. برخلاف رهبران ادیان دیگر همچون پاپ که می گویند هر وعده غذایش هزینه بالایی دارد.

امام امت رض این چنین بودند و مقام معظم رهبری نیز این چنین هستند اگر چه دشمنان نظام در ماهواره ها جور دیگری تبلیغ می کنند.

من به نمونه ای از ساده زیتی مقام معظم رهبری اشاره می کنم.

حجۀ الاسلام والمسلمین مروی معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری درباره آیت الله خامنه ای گفت : خود آقا می گفتند ما در کل خانه تنها یک فرش دستباف داریم که جهیزیه همسرم بوده که نگه داشته ایم و بقیه خانه موکت است .

وی اضافه کرد: قبل تر دفتر کار رهبری بالا بود و منزلشان طبقه پایین، ایشان تعریف می کردند: گاهی من ظهرها پایین می رفتم تا یک یا دو ساعتی پیش خانواده باشم و کار را هم انجام دهم به خاطر کمردردی که دارم گفتم یک مبل دو نفره خریدند و آن را بردند منزل شب که رفتم خانه دیدم خانواده مبل را دم در گذاشته اند گفتم برای چی این را گذاشتید دم در، خانمم گفت که آقا زندگی ما تا حالا طلبگی بوده این هم به زندگی ما نمی خورد، توضیح دادم که این مبل برای کار است که وقتی خانه هستم بتوانم هم کنار شما باشم هم بتوانم به کارها برسم که با کلی اصرار خانواده پذیرفتند ولی گفتند فقط همین یکی را تحمل می کنیم نه بیشتر.⁽¹⁾

(1) سایت <http://bigharar194.parsiblog.com/1317154.htm>

بُعدِ عبادی آن شخصیت بی نظیر

****بُعد دیگر آن حضرت، بُعدِ عبادی آن شخصیت بی نظیر است. آیا تاکنون شنیده اید که عروسی در شب عروسیش از تازه داماد بخواند یا تا صبح نماز بخوانیم؟ حضرت زهراء این کار را انجام داد. {احقاق الحق ج 4 ص 481}**

حضرت زهراء س برای عبادت و راز و نیاز با خداوند سبحان، جایگاه مخصوص داشت. لباس مخصوص و سجاده ای مخصوص داشت و در حقیقت خانه اش را معبد و مصلی قرار داده بود. وقتی حضرت عبادت می کرد فرشتگان بشمارای بر او سلام می کردند و می گفتند: یا فاطمه! ان الله اصطفاك وطهرک واصطفاك علی نساء العالمین.

گویند فاطمه (س) مشغول نماز بود که یکی از کودکانش گریه کرد. ناگاه گهواره خودبخود می جنبید زیرا فرشته ای آن را به حرکت درآورد.

امام حسن ع می گوید که دیدم شب جمعه مادرم در نماز بود تا صبح شد. {علل الشرایع ج 1 ص 173}

حسن بصری می گوید: در میان این امت عابدتر از فاطمه نیست! او آنقدر در نماز ایستاد تا پاهایش ورم کرد. {بحار 43 ص 75}

حضرت زهراء سلام الله علیها بطور شبانه روز با قرآن انس داشتند و به تلاوت قرآن خیلی علاقه داشتند و به تلاوت سور حدید والرحمن و واقعه علاقه خاصی داشتند و می فرمودند قاری این سور در آسمان ها ساکن فردوس خوانده می شوند. (جواد قیومی. صحیفه الزهراء ص 276)

- روزی رسول خدا رو به زهرا (س) کرده فرمود: ((دخترم! اکنون جبرئیل نزد من است و از سوی پروردگارم پیام آورده که هر چه بخواهی تحقق می یابد؛ چه می خواهی؟)) فاطمه (ع) پاسخ داد: ((شغلنی عن مسأله لذه خدمته، لا حاجه لی غیر النظر الی وجهه الکریم))؛ (35) لذتی که از خدمت حضرت حق می برم مرا از هر خواهشی بازداشته است؛ حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم. (تفسیر مجمع البیان، ج 1، ص 409)

- «قسمتهایی از سه دعائی که از فاطمه (س) نقل شده است را از کتاب فلاح السائل سید بن طاووس نقل می کنیم:

- دعای حضرت فاطمه (س) بعد از نماز عصر

- «سبحان مَنْ يعلم جوارح القلوب، سبحان مَنْ یحصی عدد الذنوب، سبحان مَنْ لا تخفی علیه خافیة فی الارض ولا فی السماء.....

- اللهم قد تری مکانی و تسمع کلامی و تطلع علی امری و تعلم ما فی نفسی و لیس ینفی علیک شیء من امری....»
- دعای حضرت فاطمه (س) بعد از نماز مغرب
- «الحمد لله الذي لا يُحصى مدحته القائلون و الحمد لله الذي لا يحصى نعماءه العادون و الحمد لله الذي لا يؤدي حقّه المجتهدون و لا اله الا الله الاول والاخر....»
- افر اليك هارباً من الذنوب فاقبلني و التجيء من عدلك الى مغفرتك فادركني و التئذ بعفوك من بطشك فامنعني...»
- دعای حضرت فاطمه (س) بعد از نماز عشاء
- «الحمد لله رفيع الدرجات، منزل الايات، واسع البركات، سائر العورات، قابل الحسنات، مقيل العثرات، منفس الكربات...»
- اللهم اني عائذ بك فاعدني، و مستجير بك فأجرني و مستعين بك فاعني و مستغيث بك فاغثنی و داعيك فاجبني و مستغفرک فاغفر لي و...» (بحار ج 43 ص 85)

این علاقه حضرت به عبادت بیانگر اهمیت عبادت در رشد شخصیتی انسان مخصوصاً زنان است. زنهایی که می خواهند به مقامات بالای معنوی و قرب الهی دست پیدا کنند باید اهل عبادت باشند. اهل نماز شب باشند. اهل ذکر باشند. البته بشرط اینکه اگر شوهر دارند حق شوهر هم حفظ شود که بالاترین جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

حجاب و عفاف

***بعد دیگر شخصیت آن حضرت، اهمیت فوق العاده ای است که برای حجاب و عفاف قائل می شدند.

آن چنان که گاهی سوالات عجیبی می پرسیدند مثلاً از پدرشان پرسیدند که آیا در قیامت انسانهایی که محشور می شوند لباس برتن دارند؟ رسول خدا فرمود خیر. زیرا آنچنان قیامت عظمت دارد که انسانها هریک به فکر نجات خویش است و اصلاً توجهی به این مسائل ندارند. حضرت فاطمه ناراحت شد و فرمود وای از برهنگی در روز قیامت. من از خدا حیا می کنم. هنوز فاطمه (س) از منزل پدرش بیرون نرفته بود که پیک وحی آمد و گفت خدا سلام می رساند و می فرماید بخاطر رفع نگرانی فاطمه، من فاطمه را در حالی که دولباس از نور برتن دارد محشور می کنم. (بحار الانوار: ج 8، ص 53، ح 62)

احدی دیگر را راه ندهید

در روایت است که حضرت درباره غسل دادن بدن مطهرش بعد از شهادتش رو به اسماء - دوست باوفا و پر معرفت خود - کرد و فرمود: ((یا اسماء! اذا انا مت فاغسلینی انت و علی بن ابی طالب و لا تدخلی علیّ احدا. یعنی وقتی از دنیا رفتم تو و علی ع مرا غسل دهید و احدی دیگر را راه ندهید.))
کشف الغمه، ج 2، ص 61

(خوشحالی فاطمه (س))

وقتی پیامبر ص تقسیم کار کرد و کارهای داخل خانه را به فاطمه (س) و کارهای خارج از خانه را به علی ع واگذار کرد فاطمه (س) فرمود جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار چقدر خوشحال شدم چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است باز داشت. (بحار ج 103 ص 253)

یا اینکه از فضا درباره اینکه مشخص شدن برجستگی بدنش بعد از مردن برای تشییع کنندگان می پرسد و نگران بعد از مرگش است. هنگامی که یکی از بانوان چگونگی پنهان سازی بدن را زیر پارچه ای که بر آن چند قطعه چوب قرار دارد به آن حضرت نشان داد، پس از آن لحظه آرامش خاصی به آن انسان صالح خدایی، روی آورد. (بحار الانوار، ج 43، ص 20 تا 40)

این را مقایسه کنیم با بی اهمیتی بعضی از زنان و دختران شیعه به حجابشان. چه در مقابل فامیل نامحرم مثلا برادر شوهر یا پسرعمو و غیره. چه در مقابل افراد غریبه مانند مغازه داره و راننده ها و دیگران.

اگر خانمی به حجابش اهمیت ندهد رشد نمی یابد. در درگاه الهی مقامی پیدا نمی کند. ملائکه به او کمک نمی کنند. نمی تواند مربی خوبی برای فرزندان باشد. آرامش روانی ندارد.

قال رسول الله (ص): (لو كانت الحکمة رجلا لكان علیا (ع) ولو كان العقل رجلا لكان الحسن (ع) ولو كان السخاء رجلا لكان الحسين (ع) ولو كان الحُسن شخصا لكان فاطمه (س) بل هی :اعظم انّ فاطمه ابنتی خیر اهل الارض عُصرا و شرفا و کرما.... رسول خدا (ص) فرمود

اگر حکمت مرد بود علی (ع) بود. اگر عقل مرد بود حسن (ع) بود. اگر سخاوت مرد بود حسین (ع) بود. اگر زیبایی شخص بود فاطمه بود بلکه فاطمه از زیبایی بالاتر است. همانا فاطمه (س) دخترم بهترین اهل زمین است از جهت نژاد و شرافت و بزرگواری {فرائدالسمطین ج2 ص68}

ولایتمداری آن حضرت

****بُعد دیگر شخصیت آن حضرت، ولایتمداری آن حضرت است.** او یک تنه در مقابل منافقین می لیستند. در مسجد مدینه سخنرانی تاریخی ایراد می کند و ماهیت دشمنان ولایت را افشا می نماید.

حضرت در سخنرانی خود درباره غصب ولایت علی ع فرمود: {پس هنگامی که خداوند برای پیامبرش، خانه پیامبران و جایگاه برگزیده برگزیدگان را انتخاب کرد در بین شما کینه و نفاق آشکار و جامه دین فرسوده گشت، افراد گمراه خموش به نطق آمدند و فرومایگان پست به صحنه درآمد، سرکردگان تبهکار نعره کشیدند و در میدانها جولان دادند.

شیطان سرش را از گریبان برآورد و شما را به سوی خود فرا خواند و شما را اجابت کننده دعوت خود یافت که گول او را خورده اید. سپس در آزمایش خود، شما را بی وزن و ناچیز دید و چون تحریکتان کرد و به خشم آمدید و بر غیر شتر خود داغ زدید (شتر دیگران را به نام خودتان غصب کردید) و به آبشخور دیگری وارد شدید! بله.

هنوز چیزی از رحلت رسول خدا نگذشته بود و زخم و جراحت فقدان او هنوز به هم نیامده و بهبود نیافته بود، بلکه هنوز جسد رسول خدا دفن نشده بود که شما از ترس اینکه فتنه ای به پا شود شتاب

کردید و خلافت را ربودید. آگاه باشید که با این عمل در فتنه و آشوب سقوط کرده و جهنم را که بر کافران احاطه دارد برای خود برگزیدید.}

حضرت زهراء برای دفاع از ولایت و اتمام حجت با مسلمین، در خانه مهاجر و انصار می رود و مسئله غدیر خم و انتخاب علی را بعنوان جانشین پیامبر ص به آنها یادآوری می کند و از آنها برای دفاع از ولایت کمک می خواهد. با گریه شبانه روزی خود، مظلومیت اهل بیت را به جهانیان اعلام می کند.

نفرین بر منافقین

در آن روز سیاه، روز شکستن استخوانهای سینه و روز تازیانه بر بازوان حضرت، چون همسر خود را با چنان وضع دلخراشی دید که به سوی مسجد می برند، آنان را تهدید به نفرین نمود و قسم به خدایی که محمد را به حق فرستاد اگر دست از وی، فرمود: ((رها کنید پسرعمویم را برندارید، سر خود را برهنه کرده و پیراهن رسول خدا را بر خود افکنده و در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه شما را نفرین می کنم.)) و در حالی که دست حسن(ع) و حسین(ع) را گرفت، به طرف قبر رسول الله(ص) روانه شد.

در این هنگام علی(ع) که از ماجرای پس از نفرین همسرش که نابودی تمامی افراد بود، خبر داشت، سلمان را به سوی فاطمه فرستاد تا او را منصرف سازد و او پس از شنیدن پیام امیرالمومنین(ع)، تمامی امواج احساس خود را به اقیانوس بیکران عشق به ولایت، روانه ساخت و با لحنی از سر اطاعت عرض کرد: ((علی جان! جانم فدایت و سپر بلایت. ای ابالحسن، همواره با توام چه در خوشیها و چه در سختیها ... به خانه باز می گردم، می روم و صبر می کنم، سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.))

(تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 116)

و در جای دیگر خطاب به علی مرتضی ع می فرماید: یا ابالحسن! روحی لروحک الفداء و نفسی لنسک الوقاء ان کنت فی خیر کنت معک وان کنت فی شر کنت معک (کوکب الدری ج 1 ص 196) یعنی ای علی! روحم فدای روح و جانم فدای جان. همیشه باتوم اگر در خیر باشی باتوم و اگر در سختی باشی باز هم باتوم.

اعتراض به غصب ولایت

محمودبن لبید می گوید روزی حضرت فاطمه (س) را در کنار قبر حضرت حمزه مشغول عزاداری و گریه دیدم. به حضرت عرض کردم از گریه شما رگهای قلبم پاره شد. فرمود ای اباعمر و! من در داغ فراق بهترین پدری مانند رسول خداص هستم پس حق دارم اشک بریزم.

عرض کردم درباره نصب علی ع به عنوان جانشین پیامبر سوالی دارم. آیا رسول خدا (ص) قبل از وفاتشان، علی را صریحا به عنوان امام معرفی کردند؟

فاطمه (س) فرمود: و اعجبا! آیا غدیر را فراموش کردید؟ گفتیم. غدیر واقع شد ولی از آنچه پرسیدم بمن خبر بدهید. فرمود خدای تعالی را شاهد می گیرم که شنیدم رسول خداص فرمود علی بهترین شخصی است که بعد از من بر شما مردم امام و خلیفه است و بعد حسن و حسین و نه نفر از صلب حسین امامان ابرارند. اگر از او پیروی کنید آنها را هدایت کننده و هدایت شده می بینید و اگر با آنها مخالفت کنید تا روز قیامت در بینتان اختلاف خواهد بود.

پرسیدم چرا از حقتان دفاع نکردید؟ فاطمه (س) فرمود: ای اباعمر و! رسول خدا فرمود: مثل امام همانند کعبه است که مردم باید به طرفش بروند نه آنکه کعبه بسوی مردم بیاید.

بعد حضرت ادامه داد: بخدا قسم اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت پیامبر اطاعت می نمودند دونفر پیدا نمی شد که درباره خدا باهم اختلاف کنند. امامت ادامه پیدا می کرد تا به نهمین فرزند حسین ع یعنی قائم ما می رسید... (بحار 36 ص 353)

با نامشخص بودن قبر شریفش و نامعلوم بودن تاریخ دقیق رحلتش سوالی را برای همه حق طلبان پیش می آورد که چرا بانویی که سرور زنان عالم است باید قبرش مجهول باشد؟ فاطمه زهراء شهید ولایت است.

آقا رسول الله فرمود: و فرمود: خداوند سبحان این عطاها را در دنیا به فاطمه نموده است که پدری مثل من دارد و هیچ شخصی مثل من نمی باشد و علی شوهرش است و اگر علی نبود، همسری برای فاطمه پیدا نمی شد. و حسن و حسین را دارد که هیچ شخصی مانند آنها نیست و آنها و سرور جوانان بهشتند. و جبرئیل نزد آمد و گفت: هرگاه فاطمه رحلت کند و دفن شود، نکیر و منکر از او می پرسند: خدایت کیست؟ می گوید: الله ربی. سؤال می کنند: پیغمبرت کیست؟ می گوید: پدرم. می پرسند: امامت کیست؟ می گوید: کسی که بالای قبرم ایستاده است (علی بن ابی طالب).^۱

سخاوت و بخشش به فقراء

****بعد دیگر شخصیتی آن حضرت، سخاوت و بخشش به فقراء و نیازمندان است.**

گفته اند که پیغمبر (ص) برای عروسی دخترش فاطمه (س)، لباسی به اوداد. اما روز بعد وقتی او را دید، مشاهده کرد که لباس کهنه به تن دارد. سبب را پرسید. فاطمه (س) گفت: دیشب در خانه را زدند. وقتی در را باز کردم، زنی را دیدم که از من لباس می خواست. خواستم لباس کهنه را به او بدهم، اما بیاد این آیه افتادم: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ»⁽²⁾ «بدرجه نیکوکاری نمی رسید مگر زمانی که آنچه را خود دوست دارید، انفاق کنید». لذا پیراهن عروسی را به آن فقیر دادم. (کوکب الدری ج 1 ص 251)

ایثار در سه روز

«فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و فضه سه روز روزه نذری داشتند .

روز اول فاطمه علیها السلام تعدادی نان تهیه کرد . اما موقع افطار ناگاه مسکینی در خانه را بصدا درآورد و تقاضای غذا نمود . اهل خانه همه افطاری خود را به او دادند و خود با آب افطار کردند و برای روز بعد روزه گرفتند .

روز دوم باز فاطمه علیها السلام مقداری نان تهیه کرد اما موقع افطار یتیمی در خانه را بصدا درآورد تقاضای غذا نمود . اهل خانه مجدداً نانهای خود را به او دادند و با آب افطار نمودند .

روز سوم نیز فاطمه علیها السلام مقداری نان تهیه کرد . ولی موقع افطار اسیری در خانه اهل بیت علیهم السلام را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود . اهل خانه غذای خود را به او دادند و خود با آب افطار نمودند .

روز چهارم وقتی پیامبر بیدار آنها آمد و مشاهده کرد که رنگ بر صورت حسن و حسین نمانده و اهل خانه دچار ضعف شدند، دستها را بدها برداشت . ناگاه آیات سوره هل اتی نازل شد و خداوند سبحان از ایثار آنان تعریف نمود:

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

«و در راه محبت الهی به مسکین و یتیم و اسیر غذا می دهند.»^(دهر 8) (بحارج 37 ص 249 و تفسیر فرات کوفی ص 196)

حضرت درآمد فدک را که سالانه تا 120 هزار سکه طلا بود بین فقراء تقسیم می کرد و فقط قسمتی را برای خرج منزل بر می داشت (بحارج 29 ص 123)

نتیجه: با این صفات عظیمی که در فاطمه زهراء س بود. ایشان تاثیر مهمی بر پاکدامنی و ایمان بشریت داشتند. نمونه آن زنان و دختران پاکدامن ایران اسلامی است که همه متأثر از عظمت فاطمه زهراء می باشد.

همه نسل ها منقرض می شوند جز ذریه زهراء س

یکی از شخصیت های بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهراء است که از عجایب خلقت است. خانمی که در سنین کم به مقامات بسیار بلندی نائل آمد و سرور همه زنان عالم از اول

تا آخر شد. زنی که خداوند سبحان رضایت او را معیار رضایت خود قرار داد و ناراحتی او را معیار غضب خود قرار داد. خانمی که نسل پیامبر اسلام، از طریق او ادامه پیدا کرده و تا روز قیامت سادات که ذریه حضرت زهراء هستند باقی می‌مانند در حالی که همه نسب‌ها و طایفه‌ها بعد از مدتی منقرض می‌گردد.

ولادت:

فاطمه زهراء (س) در سال پنجم بعثت، در بیستم جمادی الثانی در مکه متولد شد.

سخن گفتن هنگام تولد

در روایت است که وقتی فاطمه زهراء با کمک چهار زن بهشتی (مریم، ساره، آسیه و کلثوم) متولد شد به سخن درآمد و گفت: اشهد ان لا اله الا الله وانّ ابی رسول الله سید الانبیاء وانّ بعلی سید الاوصیاء و وُلدی ساده الاسباط. من شهادت می‌دهم که خدائی جز خدای یگانه نیست و پدرم رسول خدا سرور پیامبران است و شوهرم علی سرور اوصیاء است و فرزندانم سرور همه سبطها هستند.

معجزه نسل فاطمه زهرا (س)

نسل رسول خدا (ص) بوسیله حضرت فاطمه (ع) ادامه پیدا کرده است و این از معجزات اختصاصی اهل بیت (ع) است. گفته اند که در حال حاضر در ایران 4 میلیون سید و در عراق 1/5 میلیون سید و در اندونزی 20 میلیون سید و در سایر کشورها نیز 20 میلیون سید وجود دارد که جمعاً 45/5 میلیون سید در دنیا وجود دارد.

فاطمه (س) پنجساله بود که مادرش خدیجه (س) رحلت نمود. او در 9 سالگی با علی (ع) ازدواج نمود. و در سن 18 سالگی در مدینه به شهادت رسید.

القاب و کنیه های فاطمه زهراء (س)

- 1- صدیقه (بسیار راستگو) 2- مبارکه (بابرکت) 3- طاهره (پاک جسمانی و روحانی) 4- زکیه (تزکیه شده از بدیها) 5- راضیه (خداوند سبحان از او راضی است) 6- مرضیه (اواز خداوند سبحان راضی است) 7- زهراء (نوری مدینه را روشن کرد. اهل مدینه نزد رسول خدا (ص) آمدند و گفتند این چه نوری است؟ فرمود به خانه دخترم بروید. وقتی نزد فاطمه (س) رفتند دیدند حضرت در محراب مشغول عبادت است و این نور از اوست) ⁽¹⁾ 8- بتول (آن خونی که زنها می بینند مانند حیض و استحاضه و نفاس در حضرت نبوده است) 9- منصوره (در آسمان مورد یاری ملائکه قرار دارد) 10- ممتحنه (قبل از تولد خداوند سبحان او را با صبر امتحان کرد) 11- امّ السبطین (مادر حسن و حسین) 12- امّ الشهداء (مادر شهیدان) 13- امّ ابیها (مادر پدرش!) 14- امه الله (کنیز خداوند) 15- المحدثه (ملائکه با او سخن گفتند یا اینکه او برای زنان حدیث می گفت) 16- معصومه (دارای مقام عصمت) 17- سیده نساء العالمین (سرور زنان عالم) 18- فاضله (بافضیلت و پرفضیلت) 19- شهیده (بدست منافقین شهید شد) 20- تقیه (باتقوا) 21- نقیه (دراوج پرهیزکاری) 22- علمیه (بسیار عالم) 23- مضطهده (مورد ظلم واقع شده) 24- مقهوره (مورد ستم قرار گرفته) 25- رشیده (به کمال رشد عقلی رسیده) 26- تفاحه الفردوس (سیب بهشتی) 27- زوجه ولی الله (همسر علی ع ولی خدا) 28- العذراء (همیشه باکره) 29- مظلومه (به او ظلم کردند) 30- صابره (بسیار صبور) و 31- فاطمه (فاطمه یعنی بریده از بدیها زیرا پیروان خود و پدر و شوهرش را در قیامت از آتش جهنم جدا می کند) 32- هانیه (حانیه) (یعنی بسیار مهربان)

.حضرت با شویش بسیار مهربانی کرد وهنگام وفات گریه می کردسبب را پرسیدند گفت
از برای امیرالمؤمنین(ع)که بعد از من چه مصیبت‌هایی براو وارد می شود)...

1-بحارج 43ص 11

پیامبراسلام ص فرمود:خداوند نور فاطمه را قبل از خلقت زمین وآسمان آفرید.عده ای پرسیدند پس
فاطمه از سنخ بشر نیست؟پیامبرص فرمود:او حوریه ای درلباس انسان است.

پرسیدند:چگونه چنین چیزی ممکن است؟پیامبرص فرمود:خداوند قبل از خلقت آدم ع،فاطمه را
آفرید وغذایش ذکر خدا بود.سپس نور فاطمه بوسیله سیبی که من در بهشت خوردم وارد بدن من
گردید.

جابر از امام صادق علیه السلام پرسید: معنی «زهراء» چیست؟ آن حضرت فرمود:
 چون خدای عزوجل فاطمه علیها السلام را از نور
 عظمت خود خلق کرده است. وقتی نور وجود آن حضرت
 طلوع کرد، آسمانها و زمین روشن شد و چشم ملائکه را
 خیره کرد. و ملائکه برای خدا به سجده افتادند و گفتند:
 پروردگارا، این نور چیست؟ خدای تعالی فرمود: این نوری
 است از نور من که او را در آسمان قرار داده‌ام و او را از
 عظمت خود خلق کرده‌ام. او را از صُلب پیغمبری از
 پیغمبرانم که برترین و افضل پیامبران است بیرون آورم و من
 از این نور، ائمه و پیشوایانی که به انجام فرامینم قیام
 می‌کنند، خارج می‌نمایم. آنها مردم را به حق من هدایت
 می‌کنند و من آنها را خلفای خود در روی زمین بعد از قطع
 شدن وحی قرار می‌دهم.^۱

۱- بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۷۹

معنای بتول

از پیامبر ص سول کردند بتول چیست؟ که شما فرموده اید مریم بتول بوده است و فاطمه (س) بتول بوده است؟ آقا رسول الله فرمود:
 بتول به زنی می‌گویند که هیچگاه دچار خون حیض و عادت ماهیانه نمی‌شود زیرا حیض برای دختران پیامبران بد است.

بحار ج 43 ص 15 حدیث 13

از عایشه نقل شده که وقتی فاطمه (س)، حسن (ع) را بعد از نماز عصر بدنیا آورد، بلافاصله از نفاس
 پاک شد و غسل کرد و بعد نماز مغرب را بجا آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه زهراء را «محدثه» نامیده‌اند زیرا ملائکه بر آن حضرت فرود می‌آمدند و آن چنانکه با حضرت مریم سخن می‌گفتند با او نیز حرف می‌زدند.^۱

۱- بحارالانوار جلد ۱۴ صفحه ۲۰۶

«مفضل بن عمر» می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: کلام رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره‌ی حضرت فاطمه علیها السلام که فرموده: او «سیده نساء العالمین» است، آیا معنایش این است که او سرور و افضل زنهای زمان خودش می‌باشد؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«این فضیلت متعلق به مریم است. او بود که بر زنهای زمان خود فضیلت داشت، ولی حضرت فاطمه‌ی زهراء علیها السلام سرور و افضل و سیده زنهای تمام جهان از اوّل تا به آخر بوده است، زیرا او داناتر از همه و پاکدامن‌تر از همه و با فضیلت‌تر از همه زنهای جهان بوده است و کسی به پایه‌ی عظمت معنوی او نمی‌رسد».^۱

۱- بحارالانوار جلد ۳۷ صفحه ۸۵

«یونس بن ظبیان» می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم که: معنی «فاطمه» چیست؟ فرمود:

«از شرور و بدی قطع شده و جدا و دور است.
سپس خودش فرمود: اگر حضرت علی بن ابیطالب
امیرالمؤمنین علیه‌السلام نبود، از آدم گرفته تا روز قیامت
کسی لیاقت همسری با حضرت فاطمه علیها‌السلام را
نداشت».^۲

۲- بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه ۱۰ روایت ۱.

«منظور از «کوثر» و یا خوبیهای بسیار زیاد، کثرت نسل
پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و برکتی است که خدا به این
سلسله از نسب چه از نظر معنی و چه از نظر ظاهری داده
است».^۱

۱- بحارالانوار جلد ۸ صفحه ۱۶.

آیات قرآن کریم درباره فاطمه (س) چه می گویند؟

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»⁽¹⁾

امام صادق (ع) گوید مراد از اسمهایی که خداوند سبحان به آدم آموخت یکی اسم

حضرت فاطمه (ع) بوده است⁽²⁾

«فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»⁽³⁾

ابن عباس گفت مراد از کلماتی که آدم بوسیله آنها توبه کرد یکی نام حضرت فاطمه (ع)

بوده است⁽⁴⁾

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»⁽⁵⁾

امام باقر (ع) فرمود: یکی از کلماتی که خداوند سبحان ابراهیم را با آن امتحان نمود، نام

حضرت فاطمه (ع) بود.⁽⁶⁾

«قولوا آمنا بالله و ما أنزل إلینا»⁽⁷⁾

امام باقر (ع) فرمود: مراد از الینا یکی حضرت فاطمه (ع) است.⁽⁸⁾

«حافظوا علی الصلوات والصلاة الوسطی وقوموا لله قانتین»⁽⁹⁾

امام صادق (ع) فرمود: صلوات، رسول الله و حضرت فاطمه (ع) و حسن و حسین است و وسطی امیر المؤمنین است.⁽¹⁰⁾

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ بَتَّهِلْ فَجَعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»⁽¹¹⁾

امام صادق (ع) فرمود: منظور از نسااتنا حضرت فاطمه (ع) است.⁽¹²⁾

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»⁽¹³⁾

عمار بن یاسر گفت: منظور از انثی، حضرت فاطمه (ع) است.⁽¹⁴⁾

1- بقره 31

2- تفسیر برهان 73/1

3- بقره 37

4- تفسیر فرات کوفی ص 85

5-بقره 124

6-ینابیع الموده ص 97

7-بقره 136

8-کافی ج 1 ص 415

9-بقره 238

10-تفسیر عیاشی 128/1

11-آل عمران 71

12-تفسیر کنزالدقائق 117/3

13-آل عمران 195

14-العوالم للبحرانی ص 72

(74)

«الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب»⁽¹⁾

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا فرمود من بوی طوبی بهشت را از حضرت فاطمه (ع)

استشمام می کنم.⁽²⁾

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»⁽³⁾

رسول خدا فرمود که من درختم و حضرت فاطمه (ع) فرع (شاخه) آن است.⁽⁴⁾

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ عَلَيَّ سِرِّ مُتَقَابِلِينَ»⁽⁵⁾

رسول خدا فرمود یکی از کسانی که اخوان بر سرر متقابلین است، حضرت فاطمه (ع) می باشد.⁽⁶⁾

«فاسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»⁽⁷⁾

ابن عباس گفت: یکی از اهل ذکر، حضرت فاطمه (س) می باشد.⁽⁸⁾

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى»⁽⁹⁾

امام باقر (ع) فرمود: مراد از ایتاء ذی القربی حضرت فاطمه (س) است.⁽¹⁰⁾

«وَأَتْ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ»⁽¹¹⁾

ابو سعید خدری گوید: وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا فدک را به فاطمه داد.⁽¹²⁾

«أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ»⁽¹³⁾

عکرمه گفت که یکی از مصادیق کسانی که برای رضای خدا بدنبال وسیله هستند، حضرت فاطمه (س) است.⁽¹⁴⁾

«وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ كَلِمَاتِ»⁽¹⁵⁾

1-رعد29

2-تفسير قمى 365/1

3-ابراهيم24

4-مستدرک على الصحيحين 160/3

5-حجر47

6-كشف اليقين علامه حلى ص 407

7-نحل43

8-احقاق الحق 483/3

9-نحل90

10-بحارج24ص190

11-اسراء26

12-شواهد التنزيل 438/1

13-اسراء57

14-شواهد التنزيل 446/1

15-طه115

امام باقر(ع) فرمود: مراد از کلمات یکی حضرت فاطمه(س) است.⁽¹⁾

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»⁽²⁾

ابی الحمراء گفت که وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا آمد در خانه علی و فاطمه و فرمود نماز! خدا شما را رحمت کند «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا»⁽³⁾

«لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ» 102 «لَا يَخْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»⁽⁴⁾

رسول خدا(ص) فرمود: منظور از کسانی که دچار سختی قیامت نمی شوند، حضرت فاطمه(س) و فرزندان و دوستانش است. همچنین مراد از کسانی که برایشان نعمتهای بهشتی است از آنچه که میل دارند استفاده می کنند، حضرت فاطمه(س) و اولاد و دوستانش است.⁽⁵⁾

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» الذين هم في صلاتهم خاشعون»⁽⁶⁾

امام صادق(ع) فرمود: یکی از مصادیق این آیه حضرت فاطمه(س) است.⁽⁷⁾

«أَنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ»⁽⁸⁾

عبداللہ مسعود گفت: یکی از صابرين که خدا به آنان وعده پاداش داده است، حضرت فاطمه (س) است.⁽⁹⁾

«ولولا فضل الله عليكم ورحمته»⁽¹⁰⁾

گفته شده که مراد از رحمت الهی، حضرت فاطمه (س) است.⁽¹¹⁾

«فی بیوتِ اذنِ الله ان ترفع و يُذکر فیها اسمہ له فیها بالغُدُوِّ والاصال»⁽¹²⁾

از رسول خدا (ص) سؤال شد که آیا خانه حضرت فاطمه (س) هم جزو این خانه

1- بحارج 43 ص 32

2- طه 132

3- شواهد التنزیل 487/1

4- انبیاء 102

5- بحارج 43 ص 62

6- مؤمنون 2-1

7- تأویل الایات سید شرف الدین حسینی استرآبادی ج 1 ص 352

8- مؤمنون 23

9- شواهد التنزیل ج 1 ص 531

10- نور 10

11- آیات الانوار، شیخ محمود غروی، ص 203

12- نور 36

(76)

هاست؟ فرمود از بهترین این خانه هاست.⁽¹⁾

«وجعلنا بعضکم لبعض فتنهً أتصبرون و کان ربُّک بصیراً»⁽²⁾

امام باقر(ع) فرمود: روزی رسول خدا(ص)، حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) و حسن و حسین را جمع کرد و درها را بست و به آنها فرمود خداوند سبحان بر شما سلام رسانده و الان جبرئیل اینجاست و می گوید خدا فرموده که من می خواهم شما را بوسیله دشمنانتان امتحان کنم. شما چه نظری دارید؟ آنها جواب دادند که ما در مقابل دستورات الهی صبر خواهیم کرد تا زمانی که بر خدا وارد شویم و او پاداش ما را بدهد. که شنیده ایم به صابران خیر خواهد داد. رسول خدا(ص) به گریه افتاد بطوری که صدایش از اتاق بیرون رفت. ناگاه آیه فوق نازل شد. که اینان صبر خواهند نمود همانگونه که خدا فرموده است.⁽³⁾

«وهو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صِہراً»⁽⁴⁾

ابن سیرین گفت که این آیه در مورد ازدواج حضرت فاطمه (س) با حضرت علی (ع) نازل شده است.⁽⁵⁾

«والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرّة اعین واجعلنا للمتقین اماماً»⁽⁶⁾

رسول خدا (ص) فرمود از جبرئیل پرسیدم: ازواج ما کیستند؟ گفت حضرت خدیجه.

ذریات ما کیستند؟ گفت حضرت فاطمه (س).

قرّة اعین کیستند؟ گفت حسن و حسین.

واجعلنا للمتقین اماماً کیست؟ گفت حضرت علی (ع).⁽⁷⁾

«و یومئذ یرح المؤمنون بنصر الله»⁽⁸⁾

رسول خدا (ص) فرمود ای جبرئیل! چرا حضرت فاطمه (س) در آسمان منصوره و در زمین

فاطمه نام گرفته؟

1- شواهد التنزیل حاکم نیشابوری ج 1 ص 532

2- فرقان 20

3- تأویل الایات سید شرف الدین استرآبادی ج 1 ص 371

4- فرقان 54

5- احقاق الحق ج 20 ص 142

7-شواهد التنزيل نیشابوری ج 1 ص 539

8-روم 4

(77)

گفت زیرا فاطمه است چون شیعیانش از آتش بریده شده و دشمنانش از محبتش دورند. و منصوره است زیرا ملائکه او را یاری می کنند. همانطور که خداوند سبحان در قرآن کریم فرمود: وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ. (1)

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (2)

امام باقر(ع) فرمود: این آیه درباره اولاد حضرت فاطمه(س) نازل شده است. (3)

«أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (4)

ابی سعید خدری گفت: رسول خدا(ص) چهل صبح در خانه فاطمه آمد و گفت: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. نماز! خدا شما را رحمت کند. «أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

من دشمن کسی هستم که دشمن شماست و دوست کسی هستم که دوست شماست. (5)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (6)

امام صادق(ع) فرمود: تسبیح حضرت فاطمه(س) جزو ذکر کثیری است که خداوند سبحان فرمود: اذکروا الله ذکراً کثیراً⁽⁷⁾

«انّ الذین يؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا و الاخره و اعدّ لهم عذاباً مُهیناً»⁽⁸⁾

در تفسیر علی بن ابراهیم است که این آیه درباره کسانی که حق حضرت علی(ع) را غصب کردند و حق حضرت فاطمه(س) را گرفته و او را اذیت نمودند، نازل شده است. و رسول خدا(ص) فرمود: هر که حضرت فاطمه(س) را در زمان بودن من اذیت کند مانند آن است که بعد از مرگ من او را اذیت نموده است و هر که او را بعد از رحلت اذیت کند گویا در زمان حیاتم او را اذیت نموده است و هر که او را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده همانگونه که خدا فرموده «انّ الذین يؤذون الله ورسوله»⁽⁹⁾

«و قالوا الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور»⁽¹⁰⁾

1-تفسیر فرات کوفی ص 322

2-سجده 24

3-تفسیر فرات کوفی ج 5 ص 300

4-احزاب 33

5-تفسیر ابن کثیر ج 5 ص 455

6- احزاب 41

7- کافی ج 2 ص 500

8- احزاب 57

9- تفسیر قمی ج 2 ص 162

10- فاطر 34

(78)

رسول خدا(ص) فرمود هرگاه حضرت فاطمه(س) وارد بهشت شود ونعمتهای خدا را مشاهده کند، آیه فوق را قرائت می کند.⁽¹⁾

«أَسْكَرَتْ أُمٌّ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»⁽²⁾

رسول خدا(ص) فرمود یکی از مصادیق «عالین» یعنی برتران، حضرت فاطمه(س) است.⁽³⁾ (که در روز قیامت برتری با او و دیگر اهل بیت ع است)

«قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»⁽⁴⁾

این عباس گوید که وقتی آیه مذکور نازل شد، از رسول خدا(ص) سؤال شد که اینهایی که دستور به محبت به آنان داده شده کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان شان.⁽⁵⁾

«حَمْدُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» إنا أنزلناه في ليلة مباركة⁽⁶⁾

نصرانی از امام رضا(ع) پرسید تفسیر باطنی آیه مذکور چیست؟

امام فرمود: حم رسول خدا(ص) است و کتاب مبین، حضرت علی(ع) است و ليله مبارکه، حضرت فاطمه(س) است.⁽⁷⁾

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»⁽⁸⁾

این عباس گفت مراد از «الذين اجترحوا السيئات» بنی امیه هستند و مراد از «ان نجعلهم كالذين آمنوا وعملوا الصالحات» پیامبر و علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه هستند.⁽⁹⁾

«ذَلِكَ بَأْنِ اللَّهِ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ إِنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ»⁽¹⁰⁾

این عباس گفت: مراد این است که خداوند سبحان مولای علی و حمزه و جعفر و فاطمه و حسن و حسین و محمد است که آنان را بر علیه دشمنانشان یاری می نماید. و مراد از

1- بحار ج 27 ص 139

2- ص 75

3- بحار ج 15 ص 21

4- شوری 23

5- شواهد التنزيل في تفسير سورة شوریص 23

6- دخان 1-3

7- تأویل الایات ج 1 ص 573

8- جائیه 21

9- شواهد التنزيل ج 2 ص 239

10- محمد 11

(79)

کافرین ابوسفیان و یارانش است. و اینکه مولی ندارند یعنی کسی نیست که آنان را از عذاب دور نماید.⁽¹⁾

«کانوا قليلاً من الليل ما يهجعون»⁽²⁾

روایت شده که یکی از این افراد حضرت فاطمه (س) است.⁽³⁾

«ان المتقين في جنّات و عیون»⁽⁴⁾

ابن عباس گفت یکی از مصادیق متقین، حضرت فاطمه (س) است.⁽⁵⁾

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»⁽⁶⁾

ابن عباس گفت این آیه در باره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است.⁽⁷⁾

1- شواهد التنزیل ج 2 ص 174

2- ذاریات 17

3- شواهد التنزیل ج 2 ص 268

4- طور 17

5- شواهد التنزیل ج 2 ص 269

6- طور 21

7- شواهد التنزیل ج 2 ص 270

فاطمه از زبان چهارده معصوم (ع)

1- رسول خدا (ص) فرمود: فاطمه (س) محور حق و باطل است زیرا خدا برای غضب فاطمه (س) غضب می کند و برای خوشنودی فاطمه (س) خوشنود می شود.

2- امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) فرمود: فاطمه (س) را بهترین یاور در طاعت خدا یافتم.

3- فاطمه(س) فرمود: پدرم به من خبر داد که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند خدا بهشت را برایش واجب گرداند.

4- امام حسن علیه السلام فرمود: شب جمعه مادرم در محراب عبادت ایستاده و تا طلوع خورشید پیوسته در رکوع و سجود بود.

5- امام حسین علیه السلام به خواستگار دخترش فرمود: فاطمه دخترم را برای انتخاب کرده‌ام که شباهت بیشتری به مادرم دارد و در دیانت تمام شب را بیدار است و روز را هم روزه می‌گیرد و در جمال و زیبایی هم شبیه حور العین است.

6- امام سجاد علیه السلام فرمود: در روز عاشورا پدرم در حالی که خون از سینه‌اش می‌جوشید مرا به سینه‌اش چسباند و فرمود: پسرم! دعایی را که مادرم فاطمه(س) به من آموخته را از من بیاموز و بخوان.

7- امام باقر علیه السلام فرمود: در روز قیامت فاطمه(س) از صحرای محشر عبور می‌کند و خدا به او اجازه شفاعت می‌دهد و حضرت هم شیعان‌ش را از میان خلائق انتخاب می‌کند و خدا به هر شیعه‌ای که محبت فاطمه(س) در دلش باشد می‌دهد و در آن روز بی نصیب از شفاعت باقی نمی‌ماند مگر کافر و منافق و شک‌کننده.

8- امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه(س) لیلۃ القدر است و لیلۃ فاطمه و قدر خداوند سبحان است. هر که فاطمه(س) را آن گونه که سزاوار است بشناسد لیلۃ القدر را درک کرده است.

9- امام کاظم علیه السلام فرمود: در خانه‌ای که اسم فاطمه(س) باشد فقر و تنگدستی وارد نمی‌شود.

10- امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) به علی فرمود: خداوند سبحان به تو چند فضیلت داده که به من نداده است. پدرزنی مانند من داری. همسری چون فاطمه (س) داری و فرزندانی چون حسن و حسین داری.

11- وقتی امام رضا علیه السلام دید که امام جواد علیه السلام

قدر تفکر است از او علت را پرسید. امام نهم فرمود: در باره ستمهایی که نسبت به مادرمان فاطمه (س) شده فکر می کنم.

12- امام هادی علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود به فاطمه (س) این نام نهاده شده زیرا خداوند سبحان او و شیعیانش را از جهنم دور می نماید.

13- امام عسگری علیه السلام فرمود: زنی خدمت فاطمه (س) رفت و از حضرت سؤالات شرعی پرسید ولی خجالت کشید بیشتر سؤال کند. حضرت فاطمه (س) به او فرمود: هرچه از من بیشتر سؤال کنی و من جواب دهم پاداشم بیشتر می شود پس خجالت نکش و بپرس.

14- امام مهدی علیه السلام فرمود: فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) الگوی من است.⁽¹⁾

و در این باره حضرت عسکری علیه السلام می فرماید: « وَهِيَ حُجَّةٌ عَلَيْنَا »، « و ایشان بر همه ما حجت است ».^۲

۲- تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

و امام حسین علیه السلام در این باره می فرماید: « أُمِّي خَيْرٌ مِنِّي ».^۴
« مادرم از من بهتر است ».

۴- ارشاد شیخ مفید: ص ۲۳۲، ط بیروت.

پیامبر اسلام ص فرمود:

« مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مُحَبَّتِهَا »^۴

« نبوت و پیامبری برای هیچ پیغمبری کامل نمی شود مگر اینکه به محبت و فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها اقرار داشته باشد ».

۴- مدینه المعاجر سید هاشم بحرانی رحمه الله علیه

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

« وَ لَيْلَةٌ عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَفْوَةِ اللَّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ، عَلَى باغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ »

در شب معراج که به آسمان (و عالم بالا) رفتم، بر درب بهشت چنین نوشته ای را دیدم، که خدائی جز خدای یکتا نیست، و محمد فرستاده خداست و علی مرتضی دوست او است، حسن و حسین برگزیده های خالص خدایند، فاطمه بهترین انتخاب اوست، نفرین خدا بر کسی باد که دشمنی و بغض آنان را در قلب خود داشته باشد.^۳

۳- کتاب بغداد: ۱ / ۲۵۹.

در کتاب «صحیح ابی داود» جلد ۲۶ از «ثوبان» غلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که گفت:

پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی سفر می کرد، آخرین کسی که از میان اهل و فامیلش ملاقات می فرمود و با او وداع می کرد، حضرت فاطمه علیها السلام بود و اوّل کسی که پس از مسافرت نزد او می رفت و با او دیدار می کرد، حضرت فاطمه علیها السلام بود.^۱

۱- بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۸۹ روایت ۱۰.

وفات حضرت خدیجه کبری

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تا زمانی که مادرش حضرت خدیجه زنده بود مورد محبت مادرانه آن حضرت بود ولی در سن پنج سالگی مادر مهربانش را از دست داد. وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از کفن و دفن حضرت خدیجه به خانه آمد فاطمه علیها السلام از پدر پرسید: مادرم کجا است؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرفی نزد تا جبرئیل نازل شد و گفت: خدای تعالی می فرماید: سلام مرا به فاطمه برسان و به او بگو مادرت در غرفه ای است که از طلای خالص ساخته شده و پایه هایش از یاقوت سرخ است و با آسیه و مریم همسایه است. فاطمه زهرا علیها السلام عرض کرد:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ».^۱

حضرت خدیجه وقتی از دار دنیا رفت شصت و پنج سال داشت ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسیار غمناک بود حتی مدتی، کمتر آن حضرت از خانه بیرون می آمد و مسلمانان نام آن سال را «عام الحزن» یعنی سال حزن و اندوه گذاشتند.

۱- بحارالانوار جلد ۱۶ صفحه ۱ روایت ۱.

در کتب صحیحہ سنّی و شیعہ نقل شده است که: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«فاطمه پارهٔ تن من است، کسی که او را به غضب در آورد، مرا به غضب در آورده است».^۲

۲- صحیح بخاری، کتاب «ابتدای خلقت» باب فضائل نزدیکان پیغمبر صلی الله علیه و آله

و در کتاب «الامامة و السّیاسة» صفحه ۱۴ «ابن قتیبہ» نقل می کند:

«فاطمه علیها السلام به ابی بکر و عمر گفت: آیا حاضرید بشنوید حدیثی را که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنم و آیا آن را خواهید شناخت و عمل به آن می کنید یا خیر؟
گفتند: بلی.

فرمود: شما را به خدا قسم می دهم آیا شنیدید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خشنودی فاطمه از خشنودی

من است و سخط فاطمه سخط من است، کسی که فاطمه را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و کسی که فاطمه را

خشنود کند مرا خشنود کرده و کسی که فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟»

گفتند: بله اینها را از او شنیدیم.

فرمود: خدا و ملائکه‌اش را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا به غضب درآوردید و مرا خشنود نکردید و وقتی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را ملاقات کردم، شکایت شما را به او خواهم کرد.

ابو بکر در اینجا مشغول گریه کردن شد و نزدیک بود جان بدهد و می‌گفت: من به خدا پناه می‌برم از غضب و سخط تو و سخط رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله.

ولی حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌گفت: من در هر نماز که بخوانم، تو را نفرین می‌کنم.

(دعای پیامبر (ص) برای علی (ع) وفاطمه (س))

«اللّٰهُمَّ اَنْهَمَا احبَّ خَلْقَكَ اِلَى فَاَحَبَّهُمَا وَ بَارِكْ فِى ذُرِّيَّتَهُمَا
وَاجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا وَ اُنِّى اَعِيْذُهُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنْ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ».

خدایا، این دو نفر محبوب‌ترین خلق تو نزد من‌اند.

خدایا، آنها را دوست بدار.

خدایا، برکت در ذریّه آنها قرار بده.

خدایا، خودت حافظ آنها باش. و من آنها و ذریّه آنها را

از شرّ شیطان رجیم در پناه تو قرار می‌دهم.^۱

۱- بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه‌ی ۹۳ روایت ۴.

(لزوم احترام ذریه زهراى مرضیه (س))

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند که فرمود:

«اولاد مرا اکرام کنید و دوست داشته باشید خوبان آنها

را به خاطر خدا و خوبی آنها و گناهکاران آنها را به خاطر

من».^۱

۱- بحارالانوار جلد ۱۷ صفحه‌ی ۱۴

حضرت امام کاظم علیہ السلام فرمود:

«در آن مجلس مفصل، هارون گفت: چرا به مردم اجازه می‌دهید که شما را منتسب به پیغمبر صلی الله علیه وآله بدانند و به شما بگویند: «یا بن رسول الله»؟ و حال آنکه شما فرزندان علی بن ابیطالب علیہ السلام هستید و باید انسان را به پدر نسبت دهند نه به مادر و حضرت فاطمه‌ی زهراء علیها السلام مادر شما مانند ظرفی بوده است و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله از طرف مادر جدّ شما بوده نه از طرف پدر.

گفتم: ای امیرمؤمنان (یعنی هارون الرشید)، اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله زنده شود و از تو دختری را برای ازدواج خواستگاری کند، به او می‌دهی؟
گفت: چرا ندهم؟ بلکه به عرب و عجم افتخار می‌کنم که دامادی مانند پیغمبر صلی الله علیه وآله داشته باشم.
گفتم: ولی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله دختر مرا خواستگاری نمی‌کند و من هم به او دختر نمی‌دهم.

گفت: چرا؟ (توضیح آنکه منظور هارون از اینکه گفت: چرا باید حکم نوهی دختری در اسلام این باشد و حال آنکه دخترِ دختر انسان طبق عقیده‌ی او مانند یک دختر بیگانه است).

لذا حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمود: علّتش این است که من از او بوجود آمده و تولید شده از او هستم، ولی وجود تو از او نیست.^۱

هارون گفت: نیکو گفתי (احسنت).^۲

۲- بحارالانوار جلد ۴۸ صفحه‌ی ۱۲۵

باز در «اصول کافی» از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت از جدش امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

«پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به من امر کرد که در میان مردم بروم و فریاد بزنم و بگویم: ای مردم، آگاه باشید: کسی که به اجیرش به خاطر ندادن مزدش ظلم کند لعنت خدا بر او باد.

و کسی که غیر مولای خود را دوست بدارد و اطاعت از او کند لعنت خدا بر او باد.

و کسی که پدران خود را سب کند لعنت خدا بر او باد. من این کار را کردم. از میان مردم عمر بن خطاب و جمعی از صحابه برخاستند و به نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتند و عرض کردند: یا رسول‌الله، برای این اعلامیه‌ای که علی بن ابیطالب علیه‌السلام از طرف شما داده تفسیری هم هست؟

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بلی، من خودم او را امر کردم که این اطلاعیه را به مردم بدهد. سپس فرمود: معنی آنکه گفته کسی که اجر اجیرش را ندهد و به او ظلم از این جهت کند بر او لعنت خدا باد، خدا در قرآن فرموده: «بگو ای پیغمبر من از شما در مقابل زحماتم اجری نمی‌خواهم مگر محبت به خویشانم». و کسی که به من ظلم کند و اجر مرا ندهد لعنت خدا بر او باد.

و اما معنی آنکه گفته: کسی که اطاعت کند و دوست داشته باشد غیر مولای خودش را بر او لعنت خدا باد، خدا

در قرآن می‌فرماید: «پیغمبر ولایت بر مؤمنین دارد و او مقدم بر آنها است از خودشان». و کسی که من مولای اویم علی بن ابیطالب علیه‌السلام هم مولای او است کسی که اطاعت غیر ما را بکند لعنت خدا بر او باد.

و اما معنی اینکه گفته کسی که به والدینش سب کند خدا لعنتش کند، من و علی علیه‌السلام دو پدر این امتیم.^۱

۱- بحار الأنوار جلد ۲۲ صفحه ۴۸۹.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«کسی که با محبت آل محمد و سادات بمیرد، شهید و تائب و با ایمان کامل مرده است.

ملک الموت او را به بهشت بشارت می‌دهد.

نکیر و منکر او را با تشریفاتى مانند تشریفاتى که برای عروس وقتى می‌خواهد به خانه‌ی شوهر برود قائل می‌شوند، استقبال می‌کنند و برای او دو در از بهشت باز می‌شود.

و کسی که با بغض آل محمد بمیرد، روز قیامت نوشته‌ای در مقابل چشمش باشد که روی آن نوشته شده این فرد باید ناامید از رحمت خدا باشد.^۱

۱- بحار الأنوار جلد ۲۷ صفحه ۱۱۱.

«همیشه با دوستی ما خاندان ملازم باشید، زیرا اگر کسی با دوستی ما از دنیا برود، بوسیله‌ی شفاعت ما وارد بهشت می‌شود و قسم به خدائی که جان من به دست او است، عمل هیچ کسی او را فائده نمی‌دهد مگر آنکه حقّ ما را بشناسد».^۱

بحارالانوار جلد ۲۷ صفحه‌ی ۹۰

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«محبّت به آل محمّد یک روزش بهتر است از عبادت یک سال و اگر کسی با محبّت به آنها بمیرد وارد بهشت می‌شود».^۲

۳- بحارالانوار جلد ۲۷ صفحه‌ی ۱۰۴.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من شفیع چهار
دسته از مردم در روز قیامت هستم و لو آنکه با گناهان اهل
دنیا بیایند:

اوّل: کسی که یاری کند ذرّیه‌ی مرا.

دوّم: کسی که از اموالش بذل کند به ذرّیه‌ی من وقتی که
دست تنگند.

سوّم: کسی که دوست بدارد ذرّیه‌ی مرا به قلب و زبان.

چهارم: کسی که کوشش کند در قضای حوائج ذرّیه‌ی
من زمانی که آنها مطرود واقع شده و یا آواره گردیده‌اند.^۱

۱- من لایحضره الفقیه جلد ۲ صفحه‌ی ۳۶.

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، شهید مرده است.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، آمرزیده شده است.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، با توبه مرده است.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، با ایمان کامل مرده است.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، ملک الموت و سپس نکیر و منکر به
او بشارت بهشت می دهند.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، با تشریفات و احترامی که عروس را
به حجله می برند، او را به بهشت وارد می کنند.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، از قبرش دو در به بهشت باز
می شود.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه و آله بمیرد، خدا قبر او را زیارتگاه ملائکه قرار
می دهد و زوَّار او را ملائکه‌ی رحمت قرار خواهد داد.

آگاه باشید! کسی که با محبت فرزندان محمد
صلی الله علیه وآله بمیرد، به روش و سنت او و جماعت اهل
بیت علیهم السلام مرده است.

آگاه باشید! کسی که با بغض فرزندان محمد
صلی الله علیه وآله بمیرد، روز قیامت می آید و نوشته ای بر
پیشانیست هست که در آن نوشته شده این شخص مأیوس از
رحمت خدا است.

آگاه باشید! کسی که با بغض فرزندان محمد
صلی الله علیه وآله بمیرد، کافر مرده است.

آگاه باشید! کسی که با بغض فرزندان محمد
صلی الله علیه وآله بمیرد، روز قیامت بوی بهشت را استشمام
نمی کند.^۱

۱- بحار الأنوار جلد ۲۷ صفحه ۱۱۱

در کتاب «امالی» شیخ صدوق نقل شده که علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:
«النظر الى ذریتنا عبادة». نگاه کردن به ذریّه‌ی ما عبادت
است.

کسی از آن حضرت سؤال کرد که: نگاه کردن به ائمه
علیهم السلام از اولاد پیغمبر صلی الله علیه وآله عبادت است یا
نگاه کردن به تمام ذریّه‌ی آن حضرت؟ فرمود: نه، بلکه نگاه
کردن به تمام ذریّه‌ی پیغمبر صلی الله علیه وآله عبادت است.^۲

۲- من لایحضره الفقیه جلد ۱ صفحه‌ی ۷۳

پیامبر ص فرمود:

کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مثل این است که در زمان حیاتم زیارت
کرده و کسی که فاطمه علیها السلام را زیارت کند مثل این است که مرا زیارت کرده و
کسی که علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت کند مثل این است که فاطمه
علیها السلام را زیارت کرده و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند مثل
این است که علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت کرده و کسی که ذریّه‌ی حسن و
حسین علیهما السلام را زیارت کند مثل این است که علی بن ابی طالب علیه السلام را
زیارت کرده و کسی که ذریّه‌ی آنها را زیارت کند مثل این است که حضرت حسن و
حسین علیهما السلام را زیارت کرده است.^۱

۱- بحار الأنوار جلد ۱۰۰ صفحه‌ی ۱۲۲

قال النّبي صلى الله عليه وآله: حرم لحوم اولادى على
السّباع.^۱

پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: حرام شده گوشت
اولاد من بر درندگان.

امام هادی علیه السلام فرمود: «لحوم بنی فاطمه محرمة
على السباع».

یعنی: گوشت فرزندان فاطمه‌ی زهراء بر درندگان حرام
است.^۲

۱- بحارالانوار جلد ۵۰ صفحه‌ی ۲۰۴.

۲- بحارالانوار جلد ۵۰ صفحه‌ی ۱۴۹.

استرآبادی در کتاب «مناقب النبی و الائمة» و نجاشی در کتاب «فهرست» (باب راء)
از ریان بن صلت هروی چنین نقل می‌کند:

روزی در مرو خدمت حضرت رضا علیه السلام به
مجلس مأمون حاضر شدم و جمع زیادی از علماء عراق و
خراسان هم بودند.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رو کرد به
علماء و گفت: به من بگوئید معنی کلام خدا که در قرآن
می فرماید:

((يَسَ وَالْقُرْءَانِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ))

چیست؟ و منظور از «یس» کیست؟

همه گفتند: که «یس» اسم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
است، کسی در این موضوع شکی ندارد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: خدای
تعالی در اینجا به آل محمد فضیلتی عطا کرده که احدی جز
کسانی که خوب بیندیشند آن را درک نمی کنند و به گونه
عظمت آن نمی رسند و آن این است که خدای عزوجل به
احدی در قرآن سلام نداده و فقط به انبیاء عظام گفته

((سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ)) و فرموده: ((سَلَامٌ عَلَىٰ

إِبْرَاهِيمَ)) و نیز فرموده: ((سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ

إِبْرَاهِيمَ) و نیز فرموده: ((سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ)) و حتی نگفته «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ نُوحٍ» نفرموده «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ» و یا «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ» و حال آنکه می‌بینیم فرموده است: «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَسَّ» یعنی سلام بر آل محمد.

مامون گفت: حالا دانستم که نزد معدن علوم نبوت، شرح و معنی فضائل آل پیغمبر صلی الله علیه و آله هست و او است که می‌تواند این حقیقت را بیان کند.^۱

۱- بحار الانوار جلد ۹۳ صفحه ۳۸۴.

تسبیح حضرت فاطمه (س)

یک روز فاطمه زهراء س برای درخواست یک نفر خدمتکار زن جهت کارهای خانه، خدمت پدرش رفت. اما پیامبر اسلام ص بجای آن، تسبیحاتی که بعداً معروف به تسبیحات حضرت زهراء شد را به او تعلیم کرد. و آن تسبیحات شامل ۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله، ۳۳ بار سبحان الله است.^(۲)

ثوابهای زیادی برای تسبیحات مذکور ذکر کرده‌اند از جمله طبق قول امام صادق ع اگر بلافاصله بعد از نمازهای یومیه گفته شود معادل هزار رکعت در هر روز ثواب برایش نوشته می‌شود.⁽³⁾

امام باقر ع فرمود: خداوند سبحان به حمدی بهتر از تسبیح فاطمه (س) عبادت نشده است و اگر بهتر از این تسبیح، تسبیح دیگری بود حتماً پیامبر ص آن را به فاطمه (س) یاد می‌داد.⁽⁴⁾

وباز فرمودند: هر که این تسبیح را بگوید و استغفار نماید این تسبیح به زبان صدتاست ولی در میزان هزارتاست و باعث دوری شیطان و رضایت خداوند سبحان خواهد شد.⁽⁵⁾

امام صادق (ع) فرمود: تسبیح حضرت فاطمه (س) جزو ذکر کثیری است که خداوند سبحان فرمود: اذکروا الله ذکراً کثیراً⁽⁶⁾

وباز فرمود: اگر حاجتی داشتید

تسبیح حضرت فاطمه (س) را بگوئید سپس صدبار بگوئید: یا مولاتی فاطمه اغیثنی! ای مولایم فاطمه! بدادم برس.⁽⁷⁾

1- بحار ج 8 ص 151

2. بحار الانوار 82/43

3. کافی 343/3

4. کافی 343/3

5. وسائل الشیعه 442/6

6- کافی ج 2 ص 500

7. مستدرک الوسائل 313/6

سلمان و میوه بهشتی

بعد از رحلت رسول خدا (ص) تا مدتی سلمان از خانه بیرون نیامد. روزی از خانه بیرون آمد و در کوچه با امیر المؤمنین علی (ع) برخورد نمود. حضرت فرمود دختر رسول خدا (ص) احوال تو را پرسیده است. سلمان گفت نتوانستم جای خالی رسول خدا (ص) را بینم لذا در خانه ماندم. ولی الحال خدمت حضرت فاطمه (س) مشرف می شوم. وقتی بحضور بانوی دو عالم رسید، حضرت فرمود روزی در حال ناراحتی نشسته بودم و در باره قطع وحی از خانه ما بعد از رحلت رسول خدا (ص) فکر می کردم که ناگاه سه زن بلند بالا وارد خانه شدند و معلوم شد که اینها حوریه بهشتی هستند و برای شما و ابوذر و مقداد، خرمای بهشتی آوردند. سپس حضرت چند دانه خرما به سلمان دادند. سلمان خرما را برداشت و از خانه بیرون آمد. در کوچه به هر گس می رسید او می پرسید سلمان با خود مُشک و عنبرداری؟ وقتی آنها را خواست بخورد دید هسته ندارند.⁽³⁾

3. بحار 67/43

شفای بی نماز!

«مرحوم دستغیب از یکی ازدوستانش نقل می کند که سالی همه خانواده من دچار مرض حصبه شدند! در آن زمان مرض حصبه افراد را می کشت. من نماز صبح را که خواندم به محلی که در آنجا روضه خوانی بود رفتم. در آنجا به امام حسین (ع) توسل پیدا نمودم. دلم شکست و برای شفای سه پسر وزنم به امام حسین (ع) پناه بردم. وقتی به خانه برگشتم، دیدم که خانواده ام سفره انداخته و مشغول خوردن صبحانه هستند! گفتم چه خبر است؟ یکی از پسرانم گفت دیدم که زهرا (س) آمد. امام حسین (ع) آمد. امام حسن و امیرالمؤمنین و رسول الله آمدند. همه سیاهپوش بودند. آمدند و نشستند. پیغمبر اکرم به زهرا گفتند: زهرا جان! دست بر سر اینها بکش که خوب بشوند! زهرا بر سر ما بیچه ها دست کشید. همه خوب شدیم. بعد پیغمبر فرمود: عزیزم! یک دستی هم بر سر این زن بکش. زهراء جواب داد: پدر جان! او نماز نمی خواند. من هم دست بر سر او نمی کشم! پیغمبر اکرم فرمود: شوهرش توسل به حسینم پیدا کرده و نمی شود به او پاسخ ندهیم. چون شوهرش نماز می خواند و رابطه اش با ما محکم است. ناگاه زهرا بلند شد و دستی هم ب سر مادرمان کشید و او هم خوب شد.»⁽²⁾

خطبه حضرت فاطمه (س)

مقدمه

عبدالله بن حسن از پدرانش (علیهم السلام) روایت کرده: هنگامی که ابوبکر تصمیم گرفت فدک را از حضرت زهرا علیهاسلام بگیرد، چون این خبر به آن حضرت رسید مقنعه‌اش را بر سر انداخته پیراهن بلند خود را بر تن کرد و به همراه گروهی از کنیزان و زنان خویشاوند خود، در حالی که چادر بلندش به زمین کشیده می‌شد و راه رفتنش چیزی از راه رفتن رسول خدا کم نمی‌آورد و کاملاً شبیه آن حضرت بود، از خانه بیرون آمده، به مسجد وارد شد.

اطراف ابوبکر را عده‌ای از مهاجر و انصار گرفته بودند، پرده‌ای برای فاطمه (علیهاسلام) آویختند؛ آن حضرت در پشت پرده نشست و سپس ناله جانگدازی از دل برآورد؛ به طوری که حاضرین به گریه افتادند و مسجد یکپارچه به خروش و اضطراب آمد.

ترجمه متن خطبه

* حمد و سپاس الهی

حضرت لحظه‌ای مکث کردند تا هم همه جمعیت فرو نشست و سر و صداها خاموش شد. سپس کلام خود را با حمد و سپاس الهی و درود بر پیامبر خدا آغاز کرد. از شنیدن صدای فاطمه دوباره مردم به گریه افتادند. بعد از سکوت و آرامش فاطمه (علیهاسلام) کلام خود را چنین آغاز فرمود: خداوند را سپاس برآنچه نعمت داد و به قلب‌ها الهام فرمود؛ و مدح و ستایش برای خدایی که به نعمت‌های عامه‌اش قبل از استحقاق ابتدا کرد و هرگونه نعمتی را ارزانی داشت و یکی پس از دیگری بر ما فرو ریخت نعمتهایی که از شماره بیرون است و جزای آنها را هرگز نتوان داد و نهایتش را نتوان فهمید.

انسانها را ترغیب فرمود که شکر او را به جای آورند تا او نعمت‌هایش را فزونی بخشد و پی در پی عطا کند و از آنها طلب حمد و سپاس کرد تا نعمتهایش را بر آنها بریزد و آنها دوباره همانند آن نعمتها را از او درخواست کنند.

* گواهی به وحدانیت الهی

و اشهد ان لا اله الا الله و گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست، خدایی یگانه و بی‌شریک، و این کلمه توحید کلمه‌ای است که نتیجه‌اش اخلاص است و در قلبها ریشه دارد توحید در فطرت انسان نهاده شده و هر کس به آن اندیشید آنرا با عقلش مطابق دانست. خدایی که چشم‌ها توان دیدنش را و زبانها توان وصفش را و خیالات توان چگونگی‌اش را ندارند. او همه چیز را از هیچ پدید آورد و برای آفرینش آنها الگو و نمونه‌ای نداشت؛ بلکه آنها را به قدرتش آفرید و به اراده‌اش خلق کرد بدون اینکه به آنها نیازی داشته باشد یا از آنها فایده‌ای ببرد؛ و این نبود مگر اینکه حکمتش را پایدار کند و بر طاعتش آگاهی دهد، قدرتش را اظهار کند و مردم را بنده خود گرداند و دعوتش را گرامی دارد. و سپس بر طاعت خود ثواب و بر معصیتش عقاب نهاد تا بندگان را از خشم خود باز دارد و به سوی بهشت فرا خواند.

* گواهی به رسالت محمد صلی الله علیه و آله

و اشهد ان ابی محمدا عبده و رسوله و گواهی می‌دهم که پدرم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و رسول خداست و خداوند او را برگزید قبل از اینکه به او مأموریت دهد و او را نام نهاد قبل از آنکه او را در ظاهر پدید آورد و او را انتخاب کرد قبل از اینکه پیامبرش کند؛ چه، آفریدگان در علم غیب خدا مستور و در پرده ترسها ننگه داشته شده و با عدم، دست به گریبانند و خداوند پی‌آمد کارها را می‌داند و بر رویدادهای روزگار احاطه دارد و به جایگاه کارهای شدنی آشناست.

خداوند رسولش را فرستاد تا فرمان خود را تمام و کامل کند و اراده حتمی‌اش را در مورد اجرای احکامش ظاهر سازد و تقدیرات قطعی‌اش را نافذ فرماید. و چون دید امتها فرقه فرقه شده و دینهایشان پراکنده گشته، هر دسته به دور آتشی جمع و به بت پرستی مشغولند و با اینکه خدا را می‌شناسند منکر او شده‌اند، لذا ظلمت‌ها را با نور محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) روشن کرد و تیرگی قلبها را زدود و موانع را از جلو چشم‌ها برداشت و مردم را هدایت فرمود و از گمراهی رهایی داد و کوری‌ها را به بنیایی تبدیل کرد و آنها را به دین قویم خود هدایت و به راه مستقیم دعوت فرمود.

سپس خداوند آن حضرت را به مهربانی و اختیار و خواست و رغبت و ایثار خویش قبض روح کرد و از رنج و زحمت این دنیا آسوده نمود و ملائکه ابرار اطرافش را گرفته، به رضوان پروردگار غفارش رساندند و در مجاورت خداوند فرمانروای مقتدر جای دادند.

* اشاره به قرآن بعنوان عهد الهی

درد الهی بر پدرم که پیامبر و امین وحی و برگزیده و منتخب و مورد پسند خداوند است و سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

سپس فاطمه (علیهاسلام) رو به اهل مجلس کرد و فرمود:
شما ای بندگان خدا مورد خطاب امر و نهی الهی و حاملان دین و وحی او هستید تا نسبت به این دین درباره خود امین باشید و به دیگر امتهای هم برسانید.
ای مردم در بین شما خداوند عهدهی گذاشته است و آن کتاب ناطق خدا، قرآن صادق و نور درخشان و چراغ تابناک است که دیدگاههایش روشن و اسرارش آشکار و ظواهرش درخشان است؛ قرآنی که پیروانش مورد غبطه دیگران و پیرویاش کشاننده به سوی بهشت و حرفشنوایی از آن موجب رهایی است.

به وسیله قرآن می‌توان به برهان‌های روشن و حرمت‌های دورباش زده و شواهد روشن و استدلال‌های کافی و فضائل مورد پسند و امور جایز و بخشیده شده و قوانین حتمیه الهی دست یافت.

* احکام اسلام برای هدایت انسانها

ای مردم مسلمان؛ خداوند تبارک و تعالی ایمان را موجب پاکی شما از شرک قرار داد و نماز را برای دوری از تکبر، و زکات را باعث طهارت روح و فزونی در روزی، و روزه را برای پایداری اخلاص، و حج را موجب استواری دین، و عدل را برای تقویت دلها، و پیروی از ما اهل بیت را موجب نظم ملتها، و پیشوائی ما را برای امان از تفرقه، و جهاد را موجب عزت اسلام، متین کرد.

و چنین مقدر فرمود که صبر موجب استحقاق پاداش، و امر به معروف مصلحت اندیشی برای همگان، و نیکی به پدر و مادر سپری از خشم پروردگار، و صلّه رحم موجب زیاد شدن عمر، و قصاص موجب جلوگیری از خونریزی‌ها گردد، و وفای به نذر سبب بخشش باشد، و و کامل کردن ترازوها موجب عدم زیان، و نهی از آشامیدن شراب برای پاکی از پلیدی، و دوری از تهمت ناروای جنسی پرده‌ای برای جلوگیری از لعن، و ترک دزدی موجب حفظ عفت جامعه شود.

و خداوند شرک را حرام فرمود تا در ربوبیت او اخلاص باشد؛ «فاتقوا الله حق تقاته» پس آنگونه که شایسته است تقوای الهی را پیشه خود کنید و جز در حال مسلمانی از دنیا نروید و در اوامر و نواهی الهی اطاعت کنید زیرا فقط بندگان عالم از خداوند خوف دارند.

سپس فاطمه (علیهاسلام) فرمود:

«ایهاالناس! بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. آنچه را که می‌گویم از اول تا به آخر صحیح است. نه سخن بیهوده می‌گویم و نه کار ناروا انجام می‌دهم.

* معرفی نسب خویش و علی علیه السلام با پیامبر

من دختر آن پیامبرم که خداوند درباره‌اش فرمود: «فرستاده‌ای از جانب من به سوی شما آمده که زحمتهای شما بر او گران است و نسبت به اصلاح شما حریص است و با مؤمنین رؤوف و مهربان. اگر نسب او را بشناسید می‌دانید که او فقط پدر من است نه هیچ‌یک از زنان شما و اوست برادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام نه هیچ‌یک از مردان شما و چه خوب است منسوب بودن به آن حضرت که درود خداوندی بر او و خاندانش باد.

* نجات از گمراهی و شرک با رسالت پیامبر

آن حضرت رسالت خویش را ابلاغ و اندرزهای خود را انجام داد. از هر مرتبه‌ای از شرک دور بود و رمق مشرکین را گرفت و با حکمت و پند نیکو، ایشان را به راه پروردگار دعوت فرمود؛ بتها را شکست و گردن فرازان را سرکوب کرد تا شکست خوردند و گریختند. کم‌کم ظلمتها رفت و صبح هدایت دمید و حق روشن شد و زعیم دین لب گشود و های و هوی شیطان فرو نشست.

فرومایگان منافق نابود شدند و گره‌های کفر و پراکندگی گشوده شد و کلمه اخلاص (لا اله الا الله) در زبانها پیچید در حالی که شما بر لب پرتگاه گودال جهنم بودید.

و شما از شدت ضعف جرعه هر آشامنده و طعمه هر خورنده و آتش گیره هر شتابانی بودید و همه بر سر شما قدم می‌گذاشتند و شما را له می‌کردند آب گندیده می‌خوردید و غذای شما گوشت خشک شده و برگ درختان بود، با حالتی ذلیل همیشه در ترس بودید که مبادا اطرافیان بریزند و شما را به يك حمله بربایند.

* نقش علي عليه السلام در رسالت پیامبر

پس خدای تبارک و تعالی را به پدرم محمد (صلي الله و عليه و آله و سلم) از آن وضع اسفبار نجات داد و بعد از همه مقدمات و بعد از آنکه گرفتار مردم قوی و گرگان عرب و طاغیان اهل کتاب شدید، خداوند هر آتشی را که بر افروختند خاموش کرد و هر گاه شیطان‌ی سربلند می‌کرد و متجاوزي چون مار، اجتماع مسلمین را تهدید به مرگ می‌کرد، آن حضرت برادرش علي امیرالمومنین (عليه السلام) را به کام آنها می‌فرستاد و علي عليه السلام هم دست از آنها برنمی‌داشت مگر اینکه آنان را گوشمالی داده شراره آتش آنان را خاموش می‌کرد.

آری؛ علي در راه خدا رنج‌ها دیده و تلاشها نموده است. به رسول خدا نزدیک و نسبت به اولیاء خدا سرور بود. آستین همت را بالا زده، خیرخواه و کوشا و رنج دیده و زحمتکش بود در حالیکه شما در آسایش و رفاه بسر می‌بردید و به فکر خود بودید.

از نعمت‌ها بهره مند و آسوده و بی‌خیال در کمین ما نشست‌ه بودید که اوضاع چگونه می‌چرخد و گوش بزنک اخبار بودید. در وقت استراحت زودتر از دیگران بر زمین می‌نشستید و در موقع جنگ پا به فرار می‌گذاشتید.

* غصب ولایت علي عليه السلام

پس هنگامی که خداوند برای پیامبرش، خانه پیامبران و جایگاه برگزیده برگزیدگانش را انتخاب کرد در بین شما کینه و نفاق آشکار و جامه دین فرسوده گشت، افراد گمراه خاموش به نطق آمدند و فرومایگان پست به صحنه درآمد، سرکردگان تبهکار نعره کشیدند و در میدانها جولان دادند.

شیطان سرش را از گریبان برآورد و شما را به سوي خود فرا خواند و شما را اجابت کننده دعوت خود یافت که گول او را خورده‌اید. سپس در آزمایش خود، شما را بی‌وزن و ناچیز دید و چون تحریک‌تان کرد و به خشم آمدید و بر غیر شتر خود داغ زدید (شتر دیگران را به نام خودتان غصب کردید) و به آبشخور دیگری وارد شدید! بله.

هنوز چیزی از رحلت رسول خدا نگذشته بود و زخم و جراحت فقدان او هنوز به هم نیامده و بهبود نیافته بود، بلکه هنوز جسد رسول خدا دفن نشده بود که شما از ترس اینکه فتنه‌ای به پا شود شتاب کردید و خلافت را ربودید. آگاه باشید که با این عمل در فتنه و آشوب سقوط کرده و جهنم را که بر کافران احاطه دارد برای خود برگزیدید.

* خارج شدن از راه صواب پس از رحلت پیامبر

پس هیئات بر شما، شما را چه شد و به کجا می‌روید؟ و چه بیراهه می‌روید! این کتاب خداست پیش روی شما و آموزش روشن و دستوراتش درخشان و پرچم‌هایش برافراشته و دورباش‌هایش آشکار و فرامینش واضح است. و شما آنرا پشت سرانداخته‌اید. آیا تصمیم دارید به غیر آن حکم کنید؟! و این چه بد تبدیلی است برای ستم‌پیشگان و هر کس دین جز اسلام بجوید هرگز از او پذیرفته نگردد و در آخرت از زیانکاران است.

و بعد هم شما چندان صبر نکردید که سرکشی این فتنه فرو بنشیند و مهار این شتر رسیده به چنگ آید، بلکه به شعله‌هایش دامن زدید و جرقه‌هایش را تحریک کردید و ندای شیطان گمراه‌کننده را پاسخ مثبت دادید تا انوار درخشان دین را خاموش کنید و سنت‌های پیامبر برگزیده را نابود سازید.

به خوردن کف روی شیر تظاهر می‌کردید ولی در باطن می‌خواستید از شیرها بنوشید. (ظاهراً دلسوزی برای دین می‌کردید ولی باطنا می‌خواستید به متاع دنیا برسید.) و نسبت به خاندان رسول خدا دورویی و نفاق به خرج دادید. ما با شما از در صبر می‌آیم همچون کسی که دستش را به لبه تیز کارد گرفته و یا نیزه‌ای در شکمش فرو رفته باشد.

* ذکر بینه از قرآن برای ارث

آیا چنین پنداشته‌اید که ما را ارثی نیست؟ آیا از دستورات دوران جاهلیت پیروی می‌کنید؟ کیست که از خداوند بهتر حکم کند برای گروهی که باور دارند. آیا نمی‌دانید؟ برای غاصبان فدک مانند خورشید درخشان، واضح است که من دختر پیامبر و باید از او ارث ببرم، ای مسلمانان! من باید برای گرفتن ارثم مغلوب شوم؟!

ای پسر ابی قحافه (ابوبکر) آیا در کتاب خداوند آمده که تو از پدربزرگ ارث ببری و من از پدرم نبرم؟! حقا که سخن ناروایی گفته‌ای! آیا عهد کتاب خدا را کنار گذاشته، پشت سرتان انداخته‌اید در آنجا که گوید «و سلیمان از داود ارث برد، و آنجا که داستان یحیی بن زکریا را بازگو می‌کند که می‌فرماید «پروردگارا از سویی خودت جانشینی به من ببخش که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و آنجا که می‌فرماید «بعضی از خویشان بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدم هستند»

و نیز آنجا که می‌فرماید «خداوند شما را درباره فرزندانان سفارش می‌کند که پسر دو برابر دختر ارث ببرد» و یا فرمود «اگر مالی را به‌جای گذارد، به طور شایسته برای پدر و مادر و نزدیکانش وصیت کند و این حق است بر پرهیزکاران».

آیا گمان کرده‌اید که مرا از پدرم نصیبی نیست و ارثی نمی‌برم و اصلاً خویشاوندی بین ما نیست؟! آیا برای شما آیه‌ای اختصاصی آمده که پدرم از آن خارج است؟ یا می‌گویید اهل دو ملت مختلف از یکدیگر ارث نمی‌برند و من و پدرم اهل یک ملت و آئین نیستیم؟! آیا شما از پدرم و پسر عمم، علی، به عام و خاص قرآن داناترید؟ پس این شما و این فدک، همچون شتر مهارشده و زین کرده، یکدیگر را در روز حشر خواهیم دید.

پس چه خوب داوری است خداوند، و چه خوب بزرگ و پیشوایی است محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، و چه خوب وعده گاهی است قیامت، که در آن روز نتیجه زیانبار عمل خود را خواهید دید، ولی پیشیمانی سودی ندارد و برای هر خبری جایگاهی است و به‌زودی خواهید دانست که بر چه کسی عذاب خوارکننده فرود آمده و شکنجه پایدار وارد می‌شود.

* احترام به فرزندان رسول خدا

آنگاه فاطمه (علیها السلام) به سوی انصار نظر افکنده فرمودند: ای گروه جوانمردان و ای بازوان دین و یاران اسلام! این چه چشم‌پوشی و سهل‌انگاری است که در حق من روا می‌دارید و نسبت به ظلمی که به من می‌شود در خواب غفلتید؟! آیا پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی‌فرمود: هر انسانی در فرزندان حفظ می‌شود؟ (یعنی اگر می‌خواهید جانب کسی را محترم بشمارید بعد از او به فرزندان احترام کنید). چه زود این عمل را انجام دادید؟ دست مرا از فدک کوتاه نمودید؟ و برای امری که وقت آن نشده شتابان شدید؟ ای گروه انصار! شما را قدرت و طاقت این هست که خواسته مرا برآورده کنید.

آیا می‌گویید محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مرد و رفت و دیگر خبری نیست؟ نه، این امر بزرگی است که شکافش گسترش می‌یابد و رخنه‌اش بازتر می‌گردد و پیوستگی‌هایش از هم می‌گسلد.

و کم کم به فقرا و جاهلیت برمی‌گردید آری زمین در غیبت او تاریک و ستارگان در مصیبتش گرفته و آرزوها نومید و کوهها فرو هشته و حریم او بی‌ارزش و حرمت او زایل گردید. پس به خدا قسم این است آن بلای بزرگ و مصیبت عظمی که ماندنش نیامده و نازل نگشته است.

* عمل به قرآن بعد از پیامبر

این کتاب خداست که هر صبح و شام بر در خانه‌های شما فریاد می‌زند و با آواز بلند و تلاوت و فهماندن آن اعلان می‌دارد که انبیاء قبل هم می‌مردند و این حکم الهی و قضاء حتمی بر آنها هم وارد می‌شد؛ آنجا که می‌فرماید: «و ما محمد الا رسول. . .» محمد نیست مگر فرستاده‌ای که بیش از او نیز فرستادگانی آمده‌اند و گذشته‌اند. آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به دوران جاهلیت گذشته خود برمی‌گردید؟ و هر کس به گذشته خود برگردد، (از دین خارج گردد) هرگز زبانی به خداوند نیاورد و به زودی خداوند پاداش سپاسگزاران را خواهد داد.

* طلب یاری از مردم

ای وای از گروه اوس و خزرج! آیا میراث مرا ببلعند در حالی که شما را می‌بینم و صدای شما را می‌شنوم و شما با هم جمع و پیوسته‌اید؟ این درخواست من است که شما را فرا گرفته و این خبردادن من است که شما را شامل شده (و من از شما یاری می‌طلبم).

شما داراي افراد زياد و قدرت فراواني هستيد و سلاح جنگي و تجهيزات در دست شماست! درخواست من به شما مي‌رسد ولي جواب نمي‌دهيد و فرياد من به گويشتان مي‌رسد ولي به فريادم نمي‌رسيد؛ در حاليكه شما به استقبال دشمن در جنگ‌ها معرفيد و شما را به خير و صلاح مي‌شناسند.

شما برگزيده‌گان و منتخب جامعه‌ايد، با اعراب جنگيده‌ايد و رنج و تعب بسياري متحمل شده‌ايد. شما با گروه‌هاي زيادي درگير شده‌ايد و بدون هيچ ضعفي، شجاعان را دفع کرده‌ايد. ما فرار نكرديم و شما هم فرار نكرديد. هر چه را كه ما امر كرديم پذيرفتيد تا به دست ما اهل بيت، سنگ آسياي اسلام به چرخش درآمد و نتايج و بهره‌هايش زياد شد.

بيني شرك به خاك ماليد و طغيان تهمت‌ها فرو نشست و آتش كفر به خاموشي گراييد؛ آشوب فتنه‌ها آرام و نظام دين منسجم گرديد. پس شما چرا بعد از روشني راه بيراهه رفتيد و چرا حق را پنهان كرديد، بعد از اينكه آشكار شده بود و چرا عقب گرد كرديد و بعد از ايمان مشرك شديد.

آيا شما با مردمي كه پيمان خود را شكسته و براي بيرون كردن پيامبر تصميم گرفته‌اند، نمي‌جنگيد با آنكه آنها اول جنگ را شروع کرده‌اند؟ آيا از آنان مي‌ترسيد در حالي كه خداوند سزاوارتر است كه از او بترسيد اگر ايمان آورده باشيد؟ (يعني چرا وقتي اين گروه غاصب خلافت، پيمان خود را شكستند و به عهدي كه درباره اميرالمومنين (عليه السلام) با رسول خدا داشتند وفا نكردند، شما با آنها نمي‌جنگيد و از اميرالمومنين دفاع نمي‌كنيد؟)

آگاه باشيد من شما را چنين مي‌بينم كه به رفاه طلبي و زندگي راحت متمايل گشته و آن كس كه براي زمامداري سزاوار است دور ساخته و به راحتی و آسايش روي آورده و خود را از ضيق و تنگي نجات داده‌ايد.

پس آنچه را كه فرا گرفته بوديد كنار گذاشته و آنچه آشاميدنش آسان بود، بيرون ريختيد. پس اگر شما و تمامي كساني كه در روي زمين زندگي مي‌كنند كافر شوند، بدانيد كه خداوند بي‌نياز و ستوده است.

* اتمام حجت با مردم

آگاه باشيد آنچه را گفتم با آگاهي نسبت به شما است كه شما انگيزه ياري نداريد و نيرنگ و فريب، دلهائتان را فرا گرفته است؛ وليكن اين سخنان خروشي بود كه از جان برآمد و آهي بود كه از خشم برخاست، كاسه صبر لبريز، و عقده‌هاي سينه باز و حجت بر شما تمام شد. پس اين شما و اين شتر خلافت! لجامش را محكم بگيريد و بتازيد. اما بدانيد پشتش زخمي و پايش لنگ و عار و ننگش هميشگي است. نشان خشم الهي بر آن خورده و عيبش ابدی است.

خلافتي كه به آتش برافروخته الهي پيوسته، آتشي كه بر دلها احاطه كند؛ در حالي كه كليۀ اعمال شما در پيش چشم پروردگار است و به زودي ستمگران خواهند دانست كه در چه جايگاهي رجوع مي‌كنند. من دختر پيامبر شمايم كه شما را از عذاب سخت آينده بيم داد. پس هر چه مي‌خواهيد بكنيد. ما هم كار خودمان را مي‌كنيم و منتظر باشيد كه ما هم منتظريم.

۱- اسناد اين خطبه عبارتند از: «بحارالانوار» علامه مجلسي جلد ۲۹ صفحه‌ی ۲۲۰

و «مروّج الذهب» مسعودی جلد ۲ صفحه‌ی ۳۱۱ و «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد»

جلد ۱۶ صفحه‌ی ۲۳۴ و «نهاية ابن اثير» جلد ۴ صفحه‌ی ۲۷۳ و «تاريخ بغداد» خطيب

زید بن علی بن الحسین علیهما السلام می گوید:

«حضرت فاطمه ی زهراء علیها السلام وصیت کرد که تمام اموال نقدینه اش را بین بنی هاشم و بنی عبدالمطلب تقسیم کنند و حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام این کار را کرد و طبق وصیت او عمل نمود»^۱.

۱- بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ی ۲۳۵.

در کتاب دلائل الامامه ی طبری، ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

فاطمه ی زهراء علیها السلام در سه شنبه سوّم جمادی الثانی سال یازدهم هجری شهید شد. و سبب وفاتش این بود که «قنفذ» فرمانبردار «عمر» با غلاف شمشیر به امر عمر او را زد و آنچنان ضربات محکم بود که جنینش سقط شد و سخت مریض شد و به هیچ یک از کسانی که او را اذیت کرده بودند اجازه نداد از او دیدن کنند و آن دو نفر از اصحاب پیغمبر، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را شفیع قرار دادند که برای آنها اجازه بگیرد تا آنها از آن حضرت عیادت کنند ولی زمانی که آنها به خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدند و گفتند: حالتان چگونه است؟ حضرت زهراء علیها السلام فرمود: الحمد لله خوب است. سپس آن حضرت فرمود:

شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله نشنیدید که فرمود: «فاطمه پاره ی تن من است کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده

است». گفتند: بلی شنیدیم. فاطمه‌ی زهراء علیهاالسلام فرمود: به خدا قسم شما دو نفر مرا اذیت کردید آن دو نفر از منزل فاطمه بیرون رفتند در حالی که فاطمه‌ی زهراء علیهاالسلام از آنها نفرت داشت.^۱

۱- بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه‌ی ۱۷۰ روایت ۱۱.

(وصیتنامه کتبی حضرت فاطمه (س)

بسم الله الرحمن الرحيم

این آن چیزی است که فاطمه دختر پیغمبر خدا وصیت می‌کند او شهادت به وحدانیت خدای تعالی می‌دهد و شهادت می‌دهد که پیغمبر اکرم بنده‌ی خدا و فرستاده‌ی او است و اینکه بهشت حق است و جهنم حق است و قیامت که شکی در آن نیست خواهد آمد و خدای تعالی مردم را از قبرها در روز قیامت زنده می‌کند.

ای علی من فاطمه دختر محمّد خدای تعالی مرا با تو همسر قرار داد تا در دنیا و آخرت مال تو باشم، تو به من از دیگران سزاوارتری که امور مرا عهده‌دار باشی، مرا در شب حنوط کن و در شب غسل بده و کفن کن و نماز بخوان و مرا در شب دفن کن و به احدی جریان را نگو و با تو وداع می‌کنم و تو را به خدا می‌سپارم و به فرزندان من تا روز قیامت سلام مرا برسان.^۱

۱- بحارالانوار جلد ۴۳ صفحه‌ی ۲۱۴.

حزن و اندوه عظیم زهراءس

بعد از رحلت پیغمبر، فاطمه (س) همیشه غمگین و ناراحت بود. جسم مبارکش، ضعیف و نحیف شده و مرتباً اشکش جاری بود. ساعت به ساعت، حالت بیهوشی بر او عارض می‌شد و به

حسن (ع) و حسین (ع) می فرمود: کجاست پدر شما که مرتباً شما را در آغوش می گرفت و نسبت بشما از همه، مهربانتر بود؟ دیگر هرگز نخواهیم دید که در خانه را باز کند و به خانه غم و اندوه من بیاید! دیگر هرگز نخواهیم دید که شما را بر دوش خود سوار کند، همانطور که قبلاً اینکار را می کرد!

فاطمه (س) آنقدر بر وفات پدرش گریست که اهل مدینه از گریه او ناراحت شدند و به او گفتند: از بس گریه کردی ما را ناراحت نمودی!

بعد از این، فاطمه (س) به بیت الاحزان و مقبره شهدای اُحد می رفت و آنچه می خواست گریه می کرد و سپس بخانه بر می گشت.

روزی فاطمه (س) فرمود: دوست دارم اذان مؤذن پدرم را بشنوم. به بلال خبر دادند و او این پیشنهاد را پذیرفت.

حضرت فاطمه (س) با شنیدن صدای اذان بلال، بیاد ایام رسول خدا (ص) افتاد و متأثر شد و به گریه افتاد. همینکه بلال صدا کرد: اشهد انّ محمداً رسول الله! فاطمه ناله ای کرد و بیهوش بر زمین افتاد.

مردم گمان کردند که فاطمه (س) از دنیا رفته است. به بلال گفتند: اذان نگو که دختر رسول خدا (ص) از دنیا رفت و بلال هم اذان را نیمه کاره رها کرد.

وقتی فاطمه (س) بیهوش آمد، به بلال فرمود: اذان را تمام نما! بلال قبول نکرد و گفت: ای بهترین زنان! می ترسم بشما آسیبی برسد. حضرت هم او را معاف نمود. «جلاء العیون ص 122»

پس از حادثه آتش زدن خانه فاطمه زهراء (س)، آن بانوی بزرگ اسلام، دچار مریضی شدیدی شدند که چهل روز ادامه داشت. او وقتی که شهادت خود را نزدیک دید، به شوهرش علی (ع) فرمود: ای پسرعمو! از آسمان خبر رحلت من رسیده است و من در حال سفر

آخرتم. بعد وصیتهایی کرد. از جمله فرمود: نگذار یکی از کسانی که بر من ستم کردند و حق مرا گرفتند، در تشییع جنازه من شرکت کنند! و نگذار که هیچیک از آنان بر من نماز بخواند! مرا در شب، و قتی که مردم در خواب هستند، دفن نما!

روز آخر عمر حضرت فاطمه (س) بود که به اسماء فرمود: جبرئیل برای رسول خدا (ص) از بهشت، کافوری آورد. پدرم آنرا سه قسمت کرد. یک قسمت برای خودش و یک قسمت برای من و یک قسمت هم برای علی (ع).

اکنون آنرا که در فلان جا است برایم بیاور! بعد فرمود: من این پارچه را بر روی خود می کشم. تو ساعتی صبر کن! بعد بیا و مرا صدا بزن! اگر دیدی جوابت را نگفتم، بدان که من از دنیا رفته ام و به پدر و مادر ملحق گشته ام.

اسماء ساعتی صبر کرد و سپس بر بالین فاطمه (س) رفت و صدا زد: ای دختر مصطفی! ای دختر آن کسی که زنان بهتر از او را حمل نکردند! ای دختر آن کسی که بهتر از او قدم بر روی خاک نگذاشت! ای دختر آن کسی که مقام قاب قوسین او ادنی را داشت!

ولی جواب نشنید. دست دراز کرد و پارچه را از روی صورت فاطمه (س) برداشت و مشاهده کرد که حضرت از دنیا رفته است. خود را روی بدن حضرت انداخت و مشغول سوگواری شد که ناگاه در خانه باز شد و حسن 7 ساله و حسین 6 ساله وارد شدند. وقتی دیدند مادرشان خوابیده است از روی تعجب گفتند: ای اسماء! چرا مادرمان در این وقت خوابیده است؟

جواب داد: ای فرزندان رسول خدا! مادرتان نخوابیده بلکه از دنیا مفارقت کرده است!

حسن (ع) که این جمله را شنید، خود را بر روی بدن مادر انداخت و صورتش را می بوسید و می گفت: ای مادر! قبل از اینکه جان از بدنم بیرون رود بامن سخن بگو! حسین (ع) هم یاهای

مادر را می بوسید و گفت: ای مادر! من فرزندت حسین هستم. قبل از اینکه قلبم شکافته شود
و مرگم فرارسد، بامن حرف بزن!

اسماء به آن دویزرگوار عرض کرد: ای فرزندان رسول خدا! بنزد پدرتان بروید و او را از مرگ
مادرتان خبردار کنید!

آندو به مسجد رفتند و صدا بگریه بلند نمودند.

اصحاب رسول خدا (ص) با استقبال آندو رفتند و گفتند: ای فرزندان رسول خدا! چرا گریه می
کنید؟ خدا هرگز چشمان شمارا گریان نگرداند!

گفتند: مادرمان فاطمه (س) از دنیا رفته است!

وقتی علی (ع) این خبر وحشت آور را شنید، بر زمین افتاد و غش کرد. آب آوردند و بر حضرت
ریختند. وقتی به هوش آمد فرمود: ای فاطمه! بعد از تو خود را به چه شخصی تسلی^۱ دهم؟

بعد از انتشار خبر شهادت حضرت فاطمه (س) در مدینه، مردان و زنان همه گریان شدند
و در مصیبت آن حضرت، شیون کنان بسوی خانه آن بانو، دویدند. زنان بنی هاشم در خانه
آن حضرت جمع شدند و از صدای شیون آنها مدینه به لرزه درآمد.

امّ کلثوم نزد قبر رسول خدا (ص) رفت و گفت: پدرجان! ای رسول خدا! امروز مصیبت تو بر ما
تازه شد و امروز تو از دنیارفتی! و دختر خود را با خود بردی.

مردم در مقابل خانه حضرت جمع شده و گریه می کردند و منتظر تشییع جنازه بودند. در این
موقع ابوذر بیرون آمد و گفت: تشییع جنازه امروز به تأخیر افتاده است. «الکوکب الدری

در روایت است که وقتی که فاطمه (س) می خواست رحلت کند نگاه تندی کرد و فرمود: سلام بر رسول خدا. خدا! مرا بارسولت قرار بده. خدایا مرا در رضوانت و جوارت و بهشت دارالسلام قرار بده. سپس فرمود: آیا آنچه من می بینم شما هم می بینید؟ افرادی که آنجا بودند گفتند چه می بینی؟ فرمود: این گروههای سواره که اهل آسمانها هستند. این جبرئیل است. این رسول خداست که می فرماید دخترم پیش بیا! که آنچه در پیش داری برایت از آنچه در دنیاست بهتراست. (بحار ج 43 ص 200)

غسل دادن حضرت

نقل شده است که در هنگام غسل دادن بدن مقدّس فاطمه (س)، اسماء آب می ریخت و علی (ع) از زیر لباس، غسل می داد. ناگاه علی (ع) دست از غسل کشید و سر به دیوار گذاشت و های های شروع به گریه کردن نمود.

اسماء گفت: شما خود به بچه ها سفارش نمودید که در حضور دیگران، خوددار باشند و بی تابي نکنند. چرا خودتان بی تاب شده اید؟

فرمود: در حین غسل، دستم به محل شکستگی پهلوی فاطمه رسید و نتوانستم خودداری بکنم.

وقتی که شب شد، علی (ع)، حسنین (ع)، عمار، ابوذر، سلمان و گروهی از بنی هاشم، بر بدن فاطمه (س) نماز خواندند و غریبانه او را تشییع و سپس دفن کردند. در اطراف قبر او هفت قبر دیگر ساختند تا محل قبرش مخفی باشد و از طرف دشمنان مورد هتک حرمت قرار نگیرد!

آمده است وقتی علی (ع) از کفن کردن فاطمه (س) فارغ شد، فرزندان زهراء و همچنین فضّله، خادمه آن بانو را صدا زد تا برای آخرین بار فاطمه (س) را ببینند و با او وداع نمایند. فرمود:

ای زینب! ای سکینه! ای فضّه! ای حسن! ای حسین! بیایید و برای آخرین بار از مادرتان فاطمه (س) توشه بر گیرید که دیدار بعدی در بهشت است.

در این موقع حسن (ع) و حسین (ع) آمدند و صدازدند: آه و افسوس! که آتش دل در مصیبت جدّمان رسول خدا و مادر مافاطمه، خاموش نخواهد شد. مادر جان! وقتی رسول خدا را دیدار کردی، سلام مارا به او برسان و حال غربت و بی مادری مارا برایش تعریف کن!

علی (ع) می گوید: من خدا را شاهد می گیرم که در این موقع، ناگاه ناله ای از بدن فاطمه (س) بلند شد و دستهایش از کفن بیرون آمد و حسنین را بر سینه چسباند.

در این وقت، هاتفی از آسمان ندا کرد: ای ابوالحسن! این دو را از روی سینه فاطمه (س) بردار که بخدا سوگند! فرشتگان آسمانها رابه گریه آوردند.

من نیز آن دو را از روی بدن فاطمه (س) برداشتم و بندهای کفن را بستم. «جلاء العیون ص 147»

از امام سجاد (ع) روایت شده که چون فاطمه (س) را بخاک سپردند، علی (ع) به گریه افتاد و رو به قبر رسول خدا (ص) نمود و فرمود: ای رسول خدا! بعد از رحلت تو، صبرم کم شد و بارحلت فاطمه (س)، قوّم کاسته گردید. ولی همانطور که بر مصیبت شما صبر نمودم، ویراندوه جدایی شما تاب آوردم،

بر این مصیبت جدید نیز صبر خواهم نمود.

ای پیامبر! امانتی را که بمن سپرده بودی بخود برگردانیدی و گروگان خود را از من پس گرفتی و حضرت زهراء (س) را پیش خود بردی. ای رسول خدا! اندوه من همیشه خواهد بود و شبهای من پیوسته به بیداری خواهد گذشت. «امالی مفید ص 164»

متمثل شدن سرحسین ع برای فاطمه (س) در قیامت

رسول خدا ص فرمود: در قیامت، سرحسین ع در حالی که آغشته به خون است برای فاطمه (س) متمثل می شود در این هنگام فاطمه (س) فریاد می زند: وای بر فرزندم! وای بر میوه دلم! فرشتگان از این ندای فاطمه (س) بیهوش می شوند و اهل محشر یکصدا می گویند خدا بکشد قاتلان فرزندت را ای فاطمه! (بحار ج 43 ص 222)

حضرت فاطمه (علیها السلام) بعد از پدر بزرگوارش چند ماهی بیشتر زندگی نکرد در همان خلوت کوتاه بقدری گریه کرد که او را یکی از (بکائین) زیاد گریه کنندگان شمردند، هیچگاه خندان دیده نشد^(۱)

(۱) صبقات ابن سعد ج ۲ بخش ۲ ص ۸۵

امام صادق علیه السلام فرمود: در اثر ضرباتی که قنقذ بر پیکر زهرا (علیه السلام) وارد ساخت ، سقط جنین کرد و بدان علت پیوسته رنجور و ضعیف می گشت تا اینکه رسماً بستری شد و در خانه خوابید^(۲)

(۲) دلائل الامامة ص ۴۵ بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۷

مصحف فاطمه (س)

در حدیث دیگری امام صادق (ع) در پاسخ محدثی که سؤال کرد: مصحف فاطمه چیست؟ چنین فرمود: خداوند متعال زمانی که پیامبر را قبض روح کرد، بر فاطمه (س) از اثر رحلت پیامبر (ص) اندوهی وارد شد که جز خدای عز و جل کسی نمی داند چه حزنی بود. لذا خداوند فرشته ای را به سوی او فرستاد تا غم و اندوهش را برطرف نماید و با او سخن گوید. فاطمه (س) جریان را به امیرالمؤمنین گزارش داد و علی (ع) فرمود: هر وقت ورود فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی به من بگو و مرا از سخنانش آگاه کن. بنابراین امیرالمؤمنین (ع) آنچه را که می شنید می نوشت تا آنکه از سخنان و گزارشهای نوشته شده مصحفی به وجود آمد. اصول کافی، ج ۱، ص 240؛ بصائر الدرجات، ص 157؛ مسند فاطمة الزهراء، ص 282؛ بحار الانوار، ج 43، ص 80 و ج 26، ص 44 و ج 47، ص 65).

مطالب مصحف فاطمه(س)

ابوبصیر می گوید: از امام محمدباقر(ع) از مصحف فاطمه(س) پرسیدم. فرمود: پس از رحلت پدرش بر فاطمه(س) نازل گشته است.

عرض کردم: آیا در آن چیزی از آیات قرآن است؟

فرمود: چیزی از آیات قرآن در آن نیست.

عرض کردم: برایم آن را توضیح دهید.

فرمود: جلدها و اطراف آن از یاقوت زینت داده شده است و برگهای آن از در سفید است.

عرض کردم: قربانت گردم! در آن چه سخنانی است؟

فرمود: خبرهای عصر حاضر و نیز خبرهایی که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد در آن موجود است. خبر آسمانها و شماره فرشتگان آسمانی، تعداد و نامهای تمام کسانی که خداوند آنها را آفریده است. نامهای رسولان، نامهای تکذیب کنندگان و اسامی همه مؤمنان و کافران از آغاز آفرینش تا فرجام در آن موجود است.

اسامی و معرفی هر يك شهرهایی که در شرق و غرب زمین است، تعداد مؤمنان و کافران هر شهر، اوصاف تکذیب کنندگان و نیز اوصاف ملت های گذشته و تاریخ آنها، طغیانگرانی که حاکم اند تعداد آنها و زمان حکومتشان، نامهای پیشوایان و اوصاف آنها و آنچه در زمین یکی پس از دیگری مالک می شوند، شرح حال بزرگان آنها و هر کس که در ادوار آینده بیاید در مصحف موجود است.

اوصاف بهشتیان و تعداد کسانی که وارد بهشت خواهند شد، اوصاف جهنمیان و نام های آنها در مصحف موجود است.

دانش قرآن آن طور که نازل شده، دانش تورات و انجیل آن طور که نازل گشته اند و دانش زیور و شماره درختهایی که در تمام بلاد است در مصحف موجود است. (مسند فاطمة الزهراء(س)، ص 290 و 291)

بنابراین مصحف فاطمه(س) در فاصله زمانی پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) تا شهادت صدیقه طاهره(س) به وجود آمده است. مصحف فاطمه(س) سخن وحی است که توسط جبرئیل امین(ع) به فاطمه زهرا(س) الهام شده است.

و مصحف فاطمه(س) به دست مبارك مولا علی(ع) نوشته شده است.

ابن عباس وصیت نوشته شده ای را از آن مخذره روایت کرده که در آن آمده است:

این وصیت فاطمه دخت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) است و گواهی می دهد معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد(صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست، بهشت و جهنم حق است و روز قیامت بی تردید فرا خواهد رسید و خداوند در آن روز مردگان را از قبرها برمی انگیزاند و زنده می کند. علی جان! من فاطمه دختر محمد، خداوند مرا به ازدواج تو درآورد تا در دنیا و آخرت از افتخار همسری ات برخوردار باشم، تو از دیگران به من سزاوارتری، مرا شبانه حنوط نما و غسل بده

و کفن کن و بر جنازه‌ام نماز بگذار و در تاریکی شب به خاکم بسپار، و هیچ کس را خبر نکن، تو را به خدا می‌سپارم و تا دیدار روز قیامت به فرزندانم درود و سلام می‌فرستم. (بحار الانوار، ج 43، ص 214).

کیفیت حمله به آن حضرت در منابع اهل سنت

:

1- عبدالکریم بن احمد شافعی شهرستانی (548 - 479 ق.) نقل کرده: «انْعَمَرَ ضَرْبَ بَطْنِ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتُ الْجَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا، به راستی عمر در روز بیعت، ضربتی به فاطمه علیها السلام وارد کرد که بر اثر آن، جنین خویش را سقط نمود.» [4]

همین قول را اسفرائینی (متوفای 429 ق.)، به نظام نسبت داده و گفته است که او قائل بود: «أَنَّ عُمَرَ ضَرْبَ فَاطِمَةَ وَ مَنَعَ مِيرَاثَ الْعِثْرَةِ، عمر فاطمه علیها السلام را زد و از ارث اهل بیت (ع) لیهیم السلام جلوگیری کرد.» [5]

2- صفدی یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌گوید: «إِنَّ عُمَرَ ضَرْبَ بَطْنِ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتُ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِهَا، به راستی عمر آن چنان فاطمه علیها السلام را در روز بیعت زد که محسن را سقط نمود.» [6]

3- مقاتل بن عطیه می‌گوید: ابابکر بعد از آن که با تهدید و ترس و شمشیر از مردم بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به درب خانه علی و زهرا علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آن چنان حضرت فاطمه علیها السلام را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط نمود و میخ در به سینه حضرت فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) حضرت به (بستر) بیماری افتاد تا آن که از دنیا رفت.» [7]

4- الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی، ج 1، ص 57 -

5- الفرق بین الفرق، عبدالقاهر الاسفرائینی، ص 107

6- الوافی بالوفیات، صفدی، ج 5، ص 347 ر.ک: سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج 2، ص 292

7- الامامة والخلافة، مقاتل بن عطیه، ص 160 - 161

سوال:

چرا بعد از رحلت پیامبر (ص)، علی (ع) با دشمنان ولایت مقابله نکرد؟

حضرت خود در این رابطه فرمود:

ثُمَّ أَخَذْتُ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَابْنَيْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَذَرْتُ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ وَأَهْلِ السَّابِقَةِ فَنَاشَدْتُهُمْ حَقِّي وَدَعَوْتُهُمْ إِلَى نُصْرَتِي فَمَا أَجَابَنِي مِنْهُمْ إِلَّا أَرْبَعَةٌ رَهْطٍ سَلَمَانَ وَعَمَّارٌ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمِقْدَادُ... لَوْ وَجَدْتُ يَوْمَ بُيُوعِ أَخَوَتَيْمِ أَرْبَعِينَ رَهْطًا لَجَاهَدْتُهُمْ فِي اللَّهِ إِلَى أَنْ أُبْلِيَ عَذْرِي...

دست فاطمه و دو فرزند حسن و حسین را گرفته و نزد اهل بدر و سابقین رفته و آنان را بر گرفتن حق خودم قسم داده و به یاری خویش دعوت کردم؛ کسی از ایشان جز چهار نفر به من پاسخ نداد؛ سلمان و ابوذر و مقداد و زبیر؛ افرادی که برای

کمک به آنان دل بسته بودم همه رفتند... قسم به کسی که محمد را به حق فرستاد اگر در روزی که با ابوبکر بیعت شد چهل نفر می‌یافتم در راه خدا می‌جنگیدم تا وظیفه‌ام را انجام داده باشم.

(الطبرسی، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب (متوفاي 548هـ)، الاحتجاج، ج 1 ص 98، تحقيق: تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، 1386 - 1966 م.)

سلیم بن قیس هلالی که از یاران مخلص امیرمؤمنان علیه السلام است، در این باره می‌نویسد:

وَدَعَا عُمَرُ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ ثُمَّ دَفَعَهُ فَدَخَلَ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَرَفَعَ عُمَرُ السَّيْفَ وَهُوَ فِي عِمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَحَتْ يَا أَبَتَاهُ فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ زِرَاعَهَا فَفَادَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ مَا خَلَقَكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ.

فَوُتِبَ عَلَيَّ (عليه السلام) فَأَخَذَ بِثَلَابِيهِ ثُمَّ نَزَرَهُ فَصَرَ عَهْ وَوَجَّأَ أَنْفَهُ وَرَقَبَتَهُ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ فَذَكَرَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَمَا أَوْصَاهُ بِهِ فَقَالَ وَالَّذِي كَرَّمَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءَةِ يَا ابْنَ صُهَاكَ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ وَعَهْدٌ عِهْدُهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَعَلِمْتُ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي.

عمر آتش طلبید و آن را بر در خانه شعله‌ور ساخت و سپس در را فشار داد و باز کرد و داخل شد! حضرت زهرا علیها السلام به طرف عمر آمد و فریاد زد: یا ابناء، یا رسول الله! عمر شمشیر را در حالی که در غلافش بود بلند کرد و بر پهلوی فاطمه زد. آن حضرت ناله کرد: یا ابناء! عمر تازیانه را بلند کرد و بر بازوی حضرت زد. آن حضرت صدا زد:

یا رسول الله، ابوبکر و عمر با بازماندگان چه بد رفتار می‌کنند!

علي عليه السلام ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد؛ ولی به یاد سخن پیامبر صلی الله علیه وآله و وصیتی که به او کرده بود افتاد، فرمود: ای پسر صُهاک! قسم به آنکه محمد را به پیامبری مبعوث نمود، اگر مقدرات الهی و عهده‌ای که پیامبر با من بسته است، نبود، می‌دانستی که تو نمی‌توانی به خانه من داخل شوی»

الهلالی، سلیم بن قیس (متوفاي 80هـ)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص 568، ناشر: انتشارات هادی - قم، الطبعة الأولى، 1405 هـ.

همچنین آلوسی مفسر مشهور اهل تسنن می‌نویسد:

أنه لما يجب على غضب عمر وأضرَم النار بباب علي وأحرقه ودخل فاستقبلته فاطمة وصاحت يا أبتاه يا رسول الله فرفع عمر السيف وهو في غمده فوجأ به جنبها المبارك ورفع السوط فضرب به ضرعها فصاحت يا أبتاه فأخذ علي بتلابيب عمر وهزه ووجأ أنفه ورقبته

عمر عصباني شد و در ب خانه علي را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه (س) لام الله عليها به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا اَبَتاه، یا رسول الله!» عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلوی فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد، فریاد زد: «یا اَبَتاه» (با مشاهده این ماجرا) علي (ع) ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید.

الآلوسي البغدادي، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود (متوفاي 1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ج3، ص124، ناشر: دار إحياء التراث العربي – بيروت.

فضایل دهگانه حضرت زهرا(س) از نگاه اهل تسنن

1. برترین بانوی جهان

در روایات فراوانی که در منابع معروف اهل سنت آمده تصریح شده است که فاطمه زهرا(س) افضل زنان جهان بود، آن سخنی است که پیغمبر اکرم(ص) آن را به تعبیرات مختلف بیان فرموده است:

«إِنَّ أَفْضَلَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ» (1)

برترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد، و مریم دختر مزاحم، و آسیه دختر مزاحم [همسر فرعون]، رسوا خدا: هنگامی که مشتاق آن میوه‌های بهشتی می‌شوم، فاطمه را می‌بوسم و از بوی او بوی تمام آن میوه‌ها را که در آن شب خوردم استشمام می‌کنم

ابن عباس می‌گوید: پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) زیاد فاطمه را می‌بوسید، روزی عایشه عرض کرد: شما زیاد فاطمه را می‌بوسید؟

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: (این دلیلی دارد) در شب معراج هنگامی که جبرئیل مرا وارد بهشت کرد، از تمام میوه‌های بهشتی به من داد، و از عصاره آنها نطفه فاطمه در رحم خدیجه منعقد شد.

«قَادَا اسْتَقْتُ لِيْلِكَ الْيَمَارَ قَبْلْتُ فَاطِمَةَ قَاصَبْتُ مِنْ رَائِحَتِهَا جَمِيعَ يْلِكَ الْيَمَارِ الَّتِي أَكَلْتُهَا» (2) هنگامی که مشتاق آن میوه‌های بهشتی می‌شوم، فاطمه را می‌بوسم و از بوی او بوی تمام آن میوه‌ها را که در آن شب خوردم استشمام می‌کنم.

3. فاطمه(علیها السلام) محبوب ترین افراد نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله)

در حدیثی از زبان عایشه می‌خوانیم که می‌گوید:

«مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ يَهَا، وَ قَامَ إِلَيْهَا، فَآخَذَ يَدَهَا فَقَبَّلَهَا، وَ اجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ» (3) من هیچ کس را در سخن گفتن از فاطمه شبیه تر به رسول خدا(صلی الله علیه وآله) ندیدم، هنگامی که وارد بر پدر می‌شد به او خوش آمد می‌گفت، و در برابر دخترش فاطمه بر می‌خاست، دست او را می‌گرفت و می‌بوسید، و او را در جای خود می‌نشاند.

4. مقام قرب فاطمه(علیها السلام) در پیشگاه خدا

در «صحیح ترمذی» از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل می‌کند که فرمود:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِثِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا وَ بَنَصِيئَتِي مَا تَصْنَعُهَا» (4) فاطمه باره تن من است، آنچه او را آزار دهد مرا آزار می‌دهد و آنچه او را به زحمت افکند مرا به زحمت می‌افکند.

5. رهد و انار فاطمه(علیها السلام)

ابن حجر و دیگران در روایتی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند، او هنگامی که از سفر باز می‌گشت نخست به سراغ دخترش فاطمه زهرا(علیها السلام) می‌آمد، و مدتی نزد او می‌ماند، ولی یک بار برای فاطمه زهرا(علیها السلام) دو دستبند از نقره و همچنین یک گردنبند و دو گوشواره ساخته بودند، و برده ای بر در اطاق آویزان کرده بود.

هنگامی که پیامبر(صلی الله علیه وآله) وارد شد و این منظره را دید بیرون آمد در حالی که آثار غضب در چهره اش نمایان بود، به مسجد آمد و بر منبر نشست.

فاطمه(علیها السلام) دانست که ناخشنودی پیغمبر(صلی الله علیه وآله) به خاطر همان مختصر زینت است، همه را نزد پدر فرستاد تا در راه خدا صرف کند.

هنگامی که چشم پیامبر(صلی الله علیه وآله) به آن افتاد سه بار فرمود:

«فَعَلْتُ، فِدَاهَا أَبُوهَا». (5)

فاطمه آنچه را که می‌خواستم انجام داد، پدرش به فدایش باد.
هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد

6. مقام علمی فاطمه(علیها السلام)

در «مسند احمد» از امّ سلمه (یا طبق روایتی ام سلمی) چنین آمده : وقتی فاطمه(علیها السلام) به همان بیماری که به وفاتش منتهی گشت، بیمار شد من از او پرستاری می‌کردم، روزی حالتش را از همه روز بهتر دیدم، علی(علیه السلام) به دنبال کاری رفته بود، فاطمه(علیها السلام) به من فرمود: آبی بیاور تا غسل کنم، آب آوردم و او غسل کرد، غسلی که بهتر از آن ندیده بودم.

سپس فرمود: لباس‌های تازه ای برای من بیاور، لباس‌ها را آوردم و به او دادم، و او پوشید.

سپس فرمود: بستر من را در وسط اطاق بپفکن، من این کار را کردم، او دراز کشید و رو به قبله کرد، و دستش را زیر صورتش گذاشت، سپس فرمود: ای ام سلمه! [ام سلمی] من الان از دنیا می‌روم (و به ملکوت اعلا می‌شتم) در حالی که پاک شده ام، کسی روی مرا نگشاید، این سخن گفت و چشم از جهان پوشید! (6)

7. کرامات فاطمه زهرا(علیها السلام)

بسیاری از مفسران اهل سنت مانند زمخشری و سیوطی در ذیل آیه شریفه :

«كَلَّمَآ دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِن عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ يَغْيَرُ حِسَابُ» (6)
هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.

از جابرین عبدالله نقل کرده اند که : رسول خدا(صلی الله علیه وآله) چند روز بود غذایی نخورده بود، و کار بر او مشکل شد، به منزل همسرانش سر زد هیچ کدام غذایی نداشتند، سرانجام به سراغ دخترش فاطمه(علیها السلام) آمد و فرمود: دخترم! غذایی داری من تناول کنم زیرا گرسنه ام؟

عرض کرد: نه بخدا سوگند!

هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از نزد او خارج شد، زنی از همسایگان دو قرص نان و مقداری گوشت برای فاطمه(علیها السلام) هدیه آورد، و او آن را گرفت و در ظرفی گذاشت و روی آن را پوشاند و گفت: بخدا سوگند رسول الله(صلی الله علیه وآله) را بر خود و فرزندانم مقدم می‌دارم!

و این در حالی بود که همه گرسنه بودند.

حسن و حسین را به سراغ پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرستاد و از او دعوت کرد به خانه بیاید.

عرض کرد: فدایت شوم، چیزی خداوند برای ما فرستاده، و من آن را برای شما ذخیره کرده ام.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: بیاور. و او ظرف غذا را نزد حضرت آورد. هنگامی که پیغمبر سر ظرف را برداشت مملو از نان و گوشت بود، هنگامی که فاطمه آن را دید در تعجب فرو رفت، و فهمید این نعمت و برکتی است از سوی خدا، شکر آن را بجا آورد و بر پیامبر(صلی الله علیه وآله) درود فرستاد.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: دخترم! این را از کجا آورده ای؟

عرض کرد:

«هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ يَقْتَرِ حِسَابَ»؛ این از سوی خداست، خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد!.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) شکر خدا را بجا آورد و این جمله را فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ شَيْبَةً يَسِيدَ يَسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».

شکر می‌کنم خدایی را که تو را شبیه [مریم] بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد.

8. نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود!

ذهبی در «میزان الاعتدال» آورده است که پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود:

«أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ(عليها السلام)؛(7) نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، فاطمه است!».

9. نام‌های برمعنای فاطمه(علیها السلام)

در حدیثی از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) آمده است که فرمود:

«إِنَّمَا سَمَاهَا فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ قَطَمَهَا وَ مُجِيَّهَا عَن النَّارِ؛(8) او را فاطمه نام نهاده، زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش دوزخ باز داشته است».

10. هدیه پیامبر(صلی الله علیه وآله) به فاطمه(علیها السلام)

سیوطی نقل می‌کند: هنگامی که آیه شریفه:

«وَأَتَاكَ دَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»؛(9) و حق نزدیکان را به‌پرداز!.

نازل شد، پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فاطمه(علیها السلام) را صدا زد و سرزمین «فدک» را به او واگذار کرد.(10)

پی‌نوشت‌ها:

1. این حدیث در «مستدرک الصحيحین»، جلد 2، صفحه 497 نقل شده و سپس تصریح می‌کند که اسناد این حدیث صحیح است.
2. ذخائر العقبی، صفحه 36.
3. مستدرک الصحيحین، جلد 3، صفحه 154.
4. صحیح ترمذی، جلد 2، صفحه 319.
5. الصواعق المحرقة، صفحه 109.
6. مسند احمد بن حنبل، جلد 6، صفحه 461. این حدیث را ابن اثیر در «اسد الغابة» و جمعی دیگر در کتب خود آورده اند.
7. البته دلایل علمی و دانش گسترده و فوق العاده آن حضرت در روایات شیعه وضع دیگری دارد که در زندگی نامه آن بزرگوار قبلاً بدان اشاره شد
8. آل عمران، آیه 37.
9. میزان الاعتدال، جلد 2، صفحه 131.
10. تاریخ بغداد، جلد 2، صفحه 331.
11. اسراء، آیه 26.
12. در المنثور، ذیل آیه؛ میزان الاعتدال، جلد 2، صفحه 288؛ کنز العمال، جلد 2، صفحه 158.

چهل حدیث گهربار فاطمه زهراء(س)

1 قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا:

نَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ، وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ. (62)

ترجمه :

فرمود: ما اهل بیت پیامبر وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم ، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم ، ما حجت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم .

2 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَهُوَ إِلَّا مَامُ الرَّبَّانِي ، وَالْهَيْكَلُ النُّورَانِي ، قُطْبُ الْإِقْطَابِ ، وَسَلَالَةُ الْأَطْيَابِ ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ. (63)

ترجمه :

فاطمه زهراء س در تعریف امام علی علیه السلام فرمود : او پیشوائی الهی و ربّانی است ، تجسم نور و روشنائی است ، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است ، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حَقِّگو و هدایتگر است ، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است .

3 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ، يُقِيمَانِ أَوْدَهُمَ، وَيُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا، وَيُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَاقَفُوهُمَا. (64)

ترجمه :

فرمود: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آن ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت های متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند.

4 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ اصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، اهْبِطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ. (65)

ترجمه :

فرمود: هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.

5 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ. (66)

ترجمه :

فرمود: همانا حقیقت و واقعیّت تمام سعادت ها و رستگاری ها در دوستی علی علیه السلام در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود.

6 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِلَهِي وَ سَيِّدِي ، اسئُلكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَبِئْكَاءٍ وَلَدَيَّ فِي مُفَارِقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةٍ شِيعَتِي ، وَشِيعَةِ ذُرِّيَّتِي. (67)

ترجمه :

فرمود: خداوندا، به حقّ اولیاء و مقربانی که آن ها را برگزیده ای ، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان ، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی .

7 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانَا وَ مُعَادِي اَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا. (68)

ترجمه :

فرمود: شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن هائی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود.

8 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللَّهِ يَا بْنَ الْخَطَّابِ لَوْ لَا إِنِّي أَرُهُ أَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتَ أَنِّي سَاقِسِمٌ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْإِجَابَةِ. (69)

ترجمه :

حضرت به عمر بن خطاب فرمود:

سوگند به خداوند، اگر نمی ترسیدم که عذاب الهی بر بی گناهی ، نازل گردد؛ متوجه می شدی که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم .

و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید.

9 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : وَاللَّهِ، لَا كَلِمَتُكَ إِذْ بَدَأَ، وَاللَّهِ لَا دُعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَوةٍ. (70)

ترجمه :

پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت ، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت ، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد.

10 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ، أَنَّكُمَا أَسْخَطْتُمَانِي ، وَ مَا رَضِيتُمَانِي ، وَلَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَا شَكُوكُمَا إِلَيْهِ. (71)

ترجمه :

هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود:

خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشمناک کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد.

11 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : لِأَتُصَلِّيَ عَلَى أُمِّهِ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى، وَ ظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَ اخَذُوا إِرْثِي، وَ خَرَقُوا صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي بِمُلْكِكَ فَذَكَ . (72)

ترجمه :

فرمود: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند.

12 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ عَنِّي ، فَلَا عُذْرَ بَعْدَ غَدِيرِكُمْ، وَالْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ تَرَكَتْ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لَا حَدَّ عُذْوٍ. (73)

ترجمه :

خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود:

از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان ، عذری برای شما باقی نمانده است .

آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت ؟

قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرِّكَ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِهًا لِلنَّفْسِ، وَنِمْاءَ فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَامَ تَثْبِيْتًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ (74)

ترجمه :

فرمود: خداوند سبحان ، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها قرار داد.

و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود.

و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود.

و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده ، لازم دانست .

و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود.

14 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدَ لِيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ وَلَا بُدَّ مِنْهُ، فَاصْبِرْ لِمَا مَرَّ اللَّهُ تَعَالَى وَارْضَ بِقَضَائِهِ. (75)

ترجمه :

فرمود: ای ابا الحسن ! همسر من ، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اوّل کسی هستم از اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از آن نیست ، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش .

15 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ؟

قَالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا. (76)

ترجمه :

فرمود: هر که بر پدرم رسول خدا و بر من به مدّت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند، چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما باشد.

16 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَا صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَلَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسِبُهُمْ وَطَائِبُهُمْ. (77)

ترجمه :

فرمود: آنچه را امام علیّ علیه السلام نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت انجام داد، وظیفه الهی او بوده است ، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آن ها را محاسبه و مجازات می نماید.

17 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ. (78)

ترجمه :

فرمود: بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد.

18 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَوْصِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْ لَا تَنْسَانِي ، وَتَرْوَرَنِي بَعْدَ مَمَاتِي . (79)

ترجمه :

ضمن وصیّتی به همسرش اظهار داشت : مرا پس از مرگم فراموش نکنی .

و به زیارت و دیدار من بر سر قبرم بیائی .

19 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْئَةِ الثَّوبَ فَيَصِفُهَا لِمَنْ رَأَى ، فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرٍ ظَاهِرٍ، أُسْتَرِنِي ، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. (80)

ترجمه :

در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زننده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند.

و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند.

مرا بر تخت و بلانکاردی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن ، خداوند تورا از آتش جهنم مستور و محفوظ نماید.

20 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ، وَهُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ. (81)

ترجمه :

مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهراء عليها السلام پنهان گشت ، وقتی رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله علت آن را جویا شد؟

در پاسخ پدر اظهار داشت : اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم ، دیگر آن که مرد، حسّاس است و بوی زن را استشمام می کند.

21 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَصَبَحْتُ وَاللَّهِ! عَاتِقَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ. (82)

ترجمه :

بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت ، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم ، همچنین دشمن و مخالف مردان شما خواهم بود.

22 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَانَتْ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا. (83)

ترجمه :

فرمود: اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمایی ، تو از شیعیان ما هستی و گرنه ، خیر.

23 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِئْتِاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

ترجمه :

فرمود: سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است : تلاوت قرآن ، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا.

24 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : أَوْصِيكَ أَوَّلًا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أُخْتِي إِمَامَةٍ، فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوُلْدِي مِثْلِي ، فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بَدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ. (84)

ترجمه :

در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود:

پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج نما، چون که او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است .

همانا مردان در هر حال ، نیازمند به زن می باشند.

25 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الزَّمِ رِجْلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا، وَالزَّمِ رِجْلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةَ. (85)

ترجمه :

فرمود: همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش ، چون بهشت زیر پای مادران است ؛ و نتیجه آن نعمت های بهشتی خواهد بود.

26 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. (86)

ترجمه :

فرمود: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضا و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد.

27 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ. (87)

ترجمه :

فرمود: تبسم و شادمانی در برابر مؤ من موجب دخول در بهشت خواهد گشت ، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود.

28 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : لَا يُلَوِّمَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحُ عَمْرِ. (88)

ترجمه :

فرمود: کسی که بعد از خوردن غذا، دست های خود را نشوید دست هایش آلوده باشد، چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید کسی جز خودش را سرزنش نکند.

29 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : اصْعَدْ عَلَى السَّطْحِ، فَإِنْ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو. (89)

ترجمه :

روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود و دیگران دعا کنم .

30 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَلَا يُبَالِي . (90)

ترجمه :

فرمود: همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت .

31 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ . (91)

ترجمه :

فرمود: اول باید در فکر مشکلات و آسایش همسایه و نزدیکان و سپس در فکر خویشتن بود.

32 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرٍ دَابَّتِهِ، وَصَدْرٍ فَرَّاشِهِ، وَالصَّلَاةُ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا الْإِمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ . (92)

ترجمه :

فرمود: هر شخصی نسبت به مرکب سواری ، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در آن از دیگری در اولویت است مگر آن که دیگری امام جماعت باشد و بخواهد نماز جماعت را اقامه نماید، نباشد.

33 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَهْ ، ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَاسَوَاءَ تَأَهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ . (93)

ترجمه :

اظهار داشت : ای پدر، من به یاد روز قیامت افتادم که مردم چگونه در پیشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ایستاد و فریاد رسی ندارد، جز اعمال و علاقه نسبت به اهل بیت علیهم السلام .

34 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، أَسْتَفْعُ عَصَاةَ أُمِّهِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . (94)

ترجمه :

فرمود: هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم ، خطاکاران امت پیامبر صلی الله علیه و آله ، را شفاعت می نمایم .

35 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : فَأَثَرُ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، وَالِدُعَاءِ ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْإِخْيَاءِ . (95)

ترجمه :

ضمن وصیّتی به امام علیّ علیه السلام اظهار نمود: پس از آن که مرا دفن کردی ، برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن ، چون که میّت در چنان موقعیّتی بیش از هر چیز نیازمند به انس با زندگان می باشد.

36 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ ، إِنِّي لَا سَتَحِي مِنْ إلهي أَنْ أَلْفَ نَفْسِكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ . (96)

ترجمه :

خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام کرد: من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را در خواست نمایم و تو توان تهیه آنرا نداشته باشی .

37 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : خَابَتْ أُمُّهُ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَيْبِهَا . (97)

ترجمه :

فرمود: رستگار و سعادتمند نخواهند شد آن گروهی که فرزند پیامبر خود را به قتل رسانند.

38 قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ : ... وَ النَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَا عَنِ الرَّجْسِ ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ اِيْجَابًا لِلْعَفَّةِ . (98)

ترجمه :

فرمود: خداوند متعال منع و نهی از شرابخواری را جهت پاکی جامعه از زشتی ها و جنایت ها؛ و دوری از تهمت ها و نسبت های ناروا را مانع از غضب و نفرین قرار داد؛ و دزدی نکردن ، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می گردد.

وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا لَا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ، وَ اطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ ، وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ ، فَإِنَّهُ ، إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . (99)

ترجمه :

و خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید.

بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است ، زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت .

ءَمَّاوَاللَّهِ ، لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِتْرَةَ نَبِيِّهِ ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ أَثْنَانِ ، وَلَوْ رَثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ ، وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا ، التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (100)

ترجمه :

فرمود: به خدا سوگند، اگر حقّ یعنی خلافت و امامت را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله عليهم پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا و دین اختلاف نمی کردند.

و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف ، و صلوات الله عليهم اجمعین می گردید که او نهمین فرزند از حسین علیه السلام می باشد

62-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 16، ص 211.

63-ریاحین الشریعة : ج 1، ص 93.

64-تفسیر الامام العسکری علیه السلام : ص 330، ح 191، بحارالانوار: ج 23، ص 259، ح 8.

65-تنبيه الخواطر معروف به مجموعه ورام : ص 108 و 437، بحار: ج 67، ص 249، ح 25.

66-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 2، ص 449 مجمع الزوائد: ج 9، ص 132.

67-کوکب الدرّی: ج 1، ص 254.

68-بحارالانوار: ج 68، ص 155، س 20، ضمن ح 11.

69-اصول کافی : ج 1، ص 460، بیت الا حزان : ص 104، بحارالانوار: ج 28، ص 250، ح 30.

70-صحیح مسلم : ج 2، ص 72، صحیح بخاری : ج 6، ص 176.

71-بحارالانوار: ج 28، ص 303، صحیح مسلم : ج 2، ص 72، بخاری : ج 5، ص 5.

72-بیت الا حزان : ص 113، کشف الغمّة : ج 2، ص 494.

73-خصال : ج 1، ص 173، احتجاج : ج 1، ص 146.

- 74-ریاحین الشریعة : ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء علیها السلام : ص 360، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه در جمع مهاجرین و انصار.
- 75-بحارالانوار: ج 43، ص 200، ح 30.
- 76-بحارالانوار: ج 43، ص 185، ح 17.
- 77-الامامة والسیاسة : ص 30، بحارالانوار: ج 28، ص 355، ح 69.
- 78-بحارالانوار: ج 43، ص 54، ح 48.
- 79-زهرة الرياض کوکب الدرّی : ج 1، ص 253.
- 80-تهذیب الاحکام : ج 1، ص 429، کشف الغمّة : ج 2، ص 67، بحار: ج 43، ص 189، ح 19.
- 81-بحارالانوار: ج 43، ص 91، ح 16، إحقاق الحقّ: ج 10، ص 258.
- 82-دلایل الامامة : ص 128، ح 38، معانی الاخبار: ص 355، ح 2.
- 83-تفسیر الامام العسکری علیه السلام : ص 320، ح 191.
- 84-بحارالانوار: ج 43، ص 192، ح 20، اعیان الشیعة : ج 1، ص 321.
- 85-کنز العمال : ج 16، ص 462، ح 45443.
- 86-مستدرک الوسائل : ج 7، ص 336، ح 2، بحارالانوار: ج 93، ص 294، ح 25.
- 87-تفسیر الامام العسکری علیه السلام : ص 354، ح 243، مستدرک الوسائل : ج 12، ص 262، بحارالانوار: ج 72، ص 401، ح 43.
- 88-کنز العمال : ج 15، ص 242، ح 40759.

89-دلائل الامامة : ص 71، س 16، معاني الاخبار: ص 399، ضمن ح 9.

90-تفسير التبيان : ج 9، ص 37، س 16.

91-علل الشرايع : ج 1، ص 183، بحارالانوار: ج 43، ص 82، ح 4.

92-مجمع الزوائد: ج 8، ص 108، مسند فاطمه : ص 33 و 52.

93-كشف الغمّة : ج 2، ص 57، بحارالانوار: ج 8، ص 53، ح 62.

94-إحقاق الحقّ: ج 19، ص 129.

95-بحارالانوار: ج 79، ص 27، ضمن ح 13.

96-اءمالی شیخ طوسی : ج 2، ص 228.

97-مدينة المعاجز: ج 3، ص 430.

98-رياحين الشريعة : ج 1، ص 312، فاطمة الزهراء عليها السلام : ص 360، قطعه ای از خطبه

طولانی و معروف آن مظلومه .

99- همان مدرک قبل .

100-الامامة والتبصرة : ص 1، بحارالانوار: ج 36، ص 352، ح 224

منابع

بحار الانوار علامه مجلسی

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی

احقاق الحق میرحامدحسین

من لایحضره الفقیه شیخ صدوق

صحیفه الزهراء جواد قیومی

کنز العمال متقی هندی

کوکب الدری محمدی حائری مازندرانی

ماهنامه کوثر شماره 8